

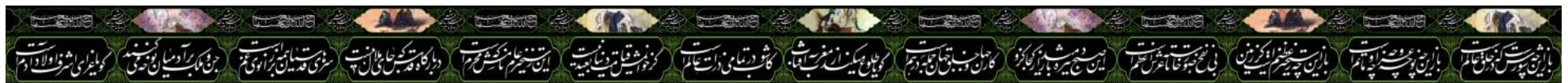


هفته دولت یادآور یک دولت مکتبی و مردمی و سالروز شهادت شهیدان رجایی و باهنر است.



آنان که به گوش دل شنیدند تو را رفتند و به پای دل رسیدند تو را دیدند تو را، ولی ندیدند تو را

فرا رسیدن ماه محرم و ایام سوگواری شهادت سالار شهیدان، حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام و یاران با وفایش را به تمامی آزادگان جهان، شیعیان و پیروان راستین آن حضرت تسلیت و تعزیت عرض می‌کنیم.



کودتا یا فرجامی خفته برای ایران

بازخوانی پرونده کودتای ۲۸ مرداد | مصاحبه‌ای خواندنی با پرفسور سید حسن امین

سراغ یکی از ایران دوستان و ادیبان این مرز و بوم رفتیم که سابقه‌ای بس طولانی در جبهه ملی ایران داشته و از شاهدان و مطلعان برحق این واقعه است. و نیز از مهندس ابوالفضل بازرگان فعال سیاسی و از اعضا قدیمی نهضت آزادی که در آن دوران و در جبهه دفاع از مصدق فعال بودند و شاهد عینی بسیاری از حوادث تاریخی کشورمان بوده‌اند اخذ نظر کردیم که پاسخ هر کدام از عزیزان را به صورت جدا نوشته‌ایم که بسیار خواندنی و شیرین می‌باشد.



کودتایی که معلوم نیست فرجامی نانوشته برای ملت بود یا تبنانی برای غارت. لذا جهت تحقیق در این باره به

واضح آن است که برخی حوادث تاریخی مجرای مشخصی ندارد ولی مشخصه‌هایی منبعث دارند که ذهن را به برخی نکات تاریک متبادر می‌سازد. در کشور عزیزمان ایران سوانحی در ذهن ملت است که نکات تاریکی دارد که دل و ذهن هر ایرانی دوستی را به درد می‌آورد که پژوهش را برای یک ایرانی متعهد ایران دوست واجب می‌کند. در ایران معاصر اتفاقی نادر بوقوع پیوست که چون نتایج زینباری را برای آینده ایران پدید آورد، بحث در آن باره را واجب نمود که در این شماره به

ادامه در صفحه ۲

مزایا و معایب دو دیدگاه نسبت به حقوق بشر

دیدگاه با تکیه اسلامی و دیدگاه بر مبنای اعلامیه جهانی حقوق بشر

دکتر محمود امیری مقدم



از آنجا که حقوق بشر یکی از معیارهای مهم سازمان ملل، در خصوص ارزیابی کمی و کیفی حکومت‌هاست، لذا بر آن شدیم که در این شماره از نشریه به تأثیر حقوق بشر با دیدگاه بر مبنای اعلامیه جهانی حقوق بشر و نیز دیدگاه بر مبنای اسلامی بپردازیم که به سراغ دکتر محمود امیری مقدم، ریس یک سازمان مردم نهاد، ثبت شده در نوروز رفتیم که سال‌هاست به موضوع حقوق بشر در ایران پرداخته و گزارشات این نهاد خصوصی، گاه‌گاه مبنای تصمیمات شورای حقوق بشر سازمان ملل هم قرار می‌گیرد.

دکتر محمود امیری مقدم، عصب‌پژوه و فعال حقوق بشر ایرانی تبار اهل نوروز است. امیری مقدم در سال ۲۰۰۴ مدال طلای بهترین دکترای پزشکی در دانشگاه اسلو را از سوی پادشاه نوروز دریافت کرد. امیری مقدم همچنین یکی از همکاران پیتر آگره بود که در سال ۲۰۰۳ جایزه نوبل شیمی را دریافت کرد. ایشان یک سال را نیز در سال ۲۰۰۶ برای اخذ مدرک فوق دکترا در مدرسه پزشکی هاروارد سپری کرده است.

ادامه در صفحه ۴

نقش مطبوعات و نشریات در جوامع امروزی

دکتر علی نوائی

مطبوعات و جراید عامل بسیار مهمی هستند برای ایجاد ارتباط میان مردم و مسئولین که این امر منجر به ایجاد حسن تفاهم با مردم خواهد شد. اهمیت مطبوعات از جایی بیشتر آشکار می‌شود که همه افراد جامعه از هر طبقه فکری و با هر سطح معلوماتی از این وسیله استفاده می‌کنند و به فراخور حال و نیازی که دارند از آن بهره‌مند می‌شوند.

با نگاهی اجمالی به خوانندگان مطبوعات در می‌یابیم که اکثر آن افراد تحصیل کرده و روشنفکر بوده و افرادی هستند که بیشتر در جامعه مورد احترام قرار می‌گیرند. بنابراین وقتی روزنامه و یا مجله‌ای مطلبی را چاپ می‌کند، اگر مردم اهل مطالعه آن را بخوانند و مورد توجهشان قرار گیرد، آن مطلب را برای دیگران هم تعریف خواهند کرد.

ادامه در صفحه ۴



استفاده از سیستم مدیریت دانش در ادارات

دکتر علی نوائی

ادامه در صفحه ۴

دنیای امروزی، عصر علم و تکنولوژی است که هر روزه شاهد اختراعات جدید بشری هستیم. به عنوان مثال، کشور ژاپن در سال جاری (۲۰۱۹) موفق به ساخت ربات انسان نمایی شد که قادر به تکلم است و می‌تواند بسیاری از نیازهای خود را بیان کند و حتی در مقابل شخصی که روبرویش قرار گرفته، مکالمه محاوره‌ای انجام دهد و گفتگوی دو جانبه‌ای داشته باشد.



سیری در روابط ایران و انگلیس در دوره صفویه و چگونگی آغاز دخالت‌های انگلیس در صحنه سیاسی ایران

بهار آهنگریان

تاریخ روابط ایران و انگلستان به نیمه دوم قرن ۱۳ میلادی مطابق با اواخر قرن نهم هجری قمری باز می‌گردد. در آن ایام ایران تحت لوای ایلخانان مغول بود و ارغون‌شاه نواده هلاکوخان در آن حکومت می‌کرد. ادوارد اول نیز در آن زمان در انگلستان حکومت داشت که از تداوم جنگ‌های ۲۰۰ ساله صلیبی با مسلمانان خسته شده بود و دنبال راه فراری بود تا بلکه بتواند راهی برای نابودی مسلمانان بیابد.

در خلال سال‌های ۱۵۶۱ تا ۱۵۶۳ میلادی آنتونی جنکینسون نماینده شرکت انگلیسی مسکووی به دربار شاه طهماسب یکم صفوی سفر کرده و اقداماتی جهت برقراری روابط اقتصادی انجام می‌دهد. در آن دوره شاه عباس که در شانزده سالگی قدرت سیاسی ایران را در دست گرفت با کشوری آشفته مواجه بود، که از هر سو مورد تهدید بود. بزرگترین خطر، امپراتوری عثمانی در مرزهای غربی ایران بود. چنین تهدید بزرگی سبب شد تا شاه عباس

ادامه در صفحه ۵

سخن سردبیر



رجایی: مدل اصلاح طلب انقلابی

آنچه را که مبرهن است این است رجایی از دل ملتی بیرون آمده بود که خواهان اصلاحات مملکت خویش بودند، اما بر مبنای عدالت و اسلام و این الگو همواره در برون شخصیت‌های بزرگی همچون رجایی پیداست. این اندیشه تراوش شده از اندیشه اصلاح طلبی به شیوه انبیاست که در سیره صلحا می‌توان یافت و رجایی زاینده چنین تفکری بود. او اولین اصلاح طلب انقلابی بود که برای اصلاح ساختار و رفع فساد و تولید تفکر ما می‌توانیم حیات خویش را هدیه کرد. روحش شاد شهید رجایی: سیاست اصلی ما بر اساس خواست مردم است «... برای ما مسأله‌ای نیست که ریگان آمده و کارتر رفته. یک موقعی بود که سیاست مملکت ما به دست آمریکائیان بود. آن وقت مهم بود که چه کسی انتخاب بشود. امروزه این مردم ما هستند که سیاست خودشان را ترسیم می‌کنند. بنابراین باید ریگان فکر کند که آمده روی کار و با ما چگونه رابطه داشته باشد. ما راه خودمان را می‌رویم. برنامه‌ریزی اصلی سیاست ما بر اساس خواست مردم است و همچنانکه گفته‌ام تعیین کننده جنگ نیز ملت ما هستند. بنابراین آن قدری که شاید برای آمریکا و کشورهای اقمارش مهم باشد که چه کسی می‌آید و چه کسی نمی‌آید، برای کشوری که مستقل شده و می‌خواهد این استقلالش را ادامه بدهد و به خودش متکی است، اهمیت ندارد و تکرار می‌کنم که این آنها هستند که باید فکر کنند با ما چگونه رفتار می‌کنند.»

ویژگی‌های فقه سیاسی شیعه

در صفحه ۶ بخوانید



حدود الزامات احکام دین در حکومت اسلامی و ریشه‌های افتراق مسلمانان

در مصاحبه از دید علمای اسلامی

حضرت آیت الله العظمی علوی گرگانی (حفظه الله)

۱- به نظر شما با توجه به اینکه روز به روز دنیا در همه زمینه‌ها پیشرفت دارد و ما انسان‌ها به ارتباط با یکدیگر محتاج هستیم و از طرفی در مملکتی زندگی می‌کنیم که مردم خواهان حکومت اسلامی هستند. و از طرفی وجود برخی احکام اسلامی باعث شده در ارتباط با جهان پیرامون خود دولت‌های جمهوری اسلامی و نهادها از جمله مجلس و شورای نگهبان تفاسیر متفاوتی را در این باره ارائه دهند. مثلاً در باب حجاب خانم‌ها با توجه به اینکه بسیاری از مردم جهان مسلمان نیستند و ما نیازمند به ارتباط با آنها هستیم و از طرفی آنان معتقد به رعایت حجاب شرعی نیستند. به نظر شما اجبار کردن آنان به رعایت حجاب شرعی با روح اسلام که می‌فرماید «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» منافاتی دارد یا نه؟

ادامه در صفحه ۷



قبل از هر چیز باید گفت که پروفیسور سیدحسین امین و مهندس ابوالفضل بازرگان لطف فرمودند و وقت گرانمایه خود را برای تنویر افکار عمومی در اختیار ما قرار دادند و به بحث با ما نشستند و به سوالات ما که در واقع سوالات بسیاری از هم میهنانمان هم هست، با زبانی شیوا و دلنشین پاسخ گفتند که در ذیل شما را دعوت می‌کنم به این بحث اهتمام ورزید:

با سلام و تحیات خدمت جناب آقای پروفیسور امین و مهندس ابوالفضل بازرگان همانطور که مستحضر هستید کودتای ۲۸ مرداد اقدام ننگینی بود که علیه منافع ملی ما صورت گرفت که تا تاریخ هست فراموش شدنی نیست. لذا بررسی ابعاد این اتفاق در دستور کار نسخه شماره ۴ این نشریه قرار گرفت. لذا خواهشمندم در اسرع وقت به سوالات ذیل پاسخ دهید: با تشکر

پاسخ پروفیسور سیدحسین امین

۱- لطفاً جزئیات مختصری از اتفاقات روز کودتا توضیح دهید:

کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ نتیجه مستقیم توافق آمریکا و انگلیس برای سرنگون کردن دولت دکتر مصدق بود. انگلیس نه تنها از امتیاز نفت ایران سود سرشار می‌برد، بلکه در سیاست داخلی و خارجی ایران دخالت می‌کرد. آمریکا و شوروی هم هر دو ناراضی بودند که انگلیس هم از جهت اقتصادی و هم از جهت سیاسی بر ایران تسلط داشته باشد. لذا شوروی متقاضی امتیاز نفت شمال و آمریکا متقاضی امتیاز نفت استان‌های کرمان و سیستان و بلوچستان شدند. وقتی مجلس با تصویب قانون دولت را از واگذار کردن امتیاز نفت به دولت‌های خارجی منع کرد و متعاقب آن قانون ملی شدن صنعت نفت را در سراسر کشور تصویب کرد، دکتر مصدق برای اجرای آن نخست وزیر شد و از شرکت نفت انگلیس خلع ید کرد.

از آن پس انگلیس ایران را محاصره اقتصادی و فروش نفت ایران را تحریم کرد و کشتی حامل نفت ایران را که ایتالیا خریده بود در باب المندب توقیف کرد. به علاوه انگلیس در شورای امنیت و بعد دیوان لاهه علیه ایران شکایت کرد. چون انگلیس محکوم شد، به فکر ساقط کردن دولت مصدق افتاد. اما دولت آمریکا اول مخالفت کرد. تا این که در سالگرد قیام ۳۰ تیر توده‌های نفتی با ابراز وجود زبانی بود،

خود را از میلیون قوی‌تر نشان دادند و انگلیس به آمریکا لقا کرد که دولت به دست توده‌های خواهد افتاد و آنها ایران را به شوروی پیوست خواهند زد. لذا آمریکا را واداشتند که در مقابل دو جناح مصدق و توده‌های از جناح شاه حمایت کنند. انگلیسی‌ها طرح کودتا را دادند و آمریکایی‌ها آن را به دست مامور سیا کریمیت روزولت اجرا کردند. کودتا در ۲۵ مرداد شکست خورد. شاه و همسرش ثریا به بغداد و بعد رم فرار کردند. اما کریمیت روزولت یک بار دیگر به دلارهای آمریکایی به میدان آمد و این بار کودتا را به نتیجه رساند.

۲- به نظر شما وقوع کودتا قابل پیش‌بینی بود؟

کودتای ۲۸ مرداد چندین چندان قابل پیش‌بینی نبود چون در حقیقت در فاصله ۲۵ تا ۲۸ مرداد دربار بسیار تضعیف شده بود و با رفتن شاه احتمال کودتا به سود شاه فراری خیلی کمتر شده بود. به همین دلیل هم مصدق و وزیر کشورش دکتر غلامحسین صدیقی هیچ طرحی برای جلوگیری از پیشرفت کودتا در کف خیابان‌ها نداشتند. مصدق به توده‌های هم اجازه بیرون آمدن و مقابله با کودتاچیان نداد. گویی مصدق در قلب خود ترجیح می‌داد که حکومت به دست سلطنت طلبان بیفتد تا توده‌ای‌ها.

۳- کدام احزاب در آن موقع فعال بودند و چه برخوردی قبل و بعد از کودتا داشتند؟

حقیقت مطلب این است که پس از جدا شدن آیت‌الله کاشانی از مرحوم دکتر مصدق، دولت بسیاری از پشتیبانان مردمی خود را از دست داد. حزب توده قوی‌ترین تشکل سیاسی وقت، ظاهراً از مصدق حمایت می‌کرد اما در حقیقت منتظر فرصت برای سقوط مصدق و به دست گرفتن قدرت بود، به طوری که در ۲۵ و ۲۶ مرداد توده‌های‌ها سوار بر اتوبوس فریاد می‌زدند؛ از قدرت توده‌ای شاه فراری شده. حزب ایران که ستون فقرات جبهه ملی بود،

یک حزب سوسیال دموکرات سکولار بود ولی متعلق به قشر متوسط شهرنشین و تحصیل کرده بود و لذا در طبقات کارگر و کشاورز و کم‌سواد و بی‌سواد تاثیرگذار نبود. مظفر بقایی و عبدالقدیر آزاد هم که اعضای اولیه جبهه ملی بودند با مصدق دشمن شده بودند. فداییان اسلام هم که خواهان اجرای احکام اسلام بودند مصدق و کابینه او را به قدر کافی اسلام‌گرا نمی‌دانستند. لذا مصدق موفق نشد که خودش حزب‌سازی توانمندی ایجاد کند. نیروهای قوی و متشکل هم منحصر به توده‌های‌ها و اسلام‌گرایان بودند که هیچ‌کدام با مصدق همدلی نداشتند.



۴- همان‌طور که می‌دانید دکتر مصدق چند وقت قبل کودتا به آمریکا سفر کرده بود و آنها قول همکاری با وی داده بودند علت عهدشکنی آمریکائی‌ها را در چه می‌دانید؟

علت عمده عوض شدن موضع‌گیری آمریکا در برابر مصدق آن بود که انگلیسی‌ها با بزرگ نمایی قدرت توده‌های‌ها مردم را و آمریکا را ترساندند که توده‌های‌ها بر اوضاع مسلط می‌شوند و ایران را به یکی از اقمار شوروی تبدیل می‌کنند. به علاوه انگلیسی‌ها رضایت دادند که استیفای حقوق انگلیس می‌تواند با شریک کردن آمریکا در عواید نفت همراه باشد که بعد از کودتا از طریق کنسرسیوم انجام شد.

۵- اقدامات جبهه ملی را به عنوان یک حزب پیشه رو در عرصه سیاست را در قبل و بعد کودتا چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به نظر شما خیانت اعضا جبهه به مصدق و یا کم‌کاری اعضا در هماهنگی با دکتر مصدق نقطه ضعفی برای سواستفاده کودتاچیان نبوده است؟ چون شتیعه است که برخی اعضا به دکتر مصدق خیانت کردند؟

جبهه ملی در قبل از کودتا پشتیبان جدی نهضت ملی شدن صنعت نفت بود. مخصوصاً حزب ایران فوق‌العاده تاثیرگذار بود. پس از کودتا تمام اعضای جبهه ملی تحت فشار گرفتند. خانه دکتر مصدق غارت شد. خانه سید یحیی نظام‌زاده وکیل دادگستری و داماد امین الشریعه را به آتش کشیدند. سرگرد سخایی را در کرمان کشتند. بعد هم مصدق و یارانش را در دادگاه نظامی به حبس و دکتر سید حین فاطمی را به اعدام محکوم کردند.

۶- از دیدگاه شما به عنوان عضو با سابقه جبهه ملی ریشه‌های سقوط دولت دکتر مصدق را درونی می‌دانید یا بیرونی؟ لطفاً توضیح دهید.

ریشه واقعی کودتا بیرونی یعنی توافق و تبانی قطعی و رسمی دو دولت انگلیس و آمریکا علیه دولت ملی مصدق بود. اسناد کودتا در آمریکا پس از مدت‌ها از سری و محرمانه بودن بیرون آمده و خانم البرایت وزیر خارجه اسبق آمریکا از این بابت از مردم ایران عذرخواهی کرد.

۷- به نظر شما آیا مردم در سقوط دولت دکتر مصدق نقش داشتند؟ یا راضی بودند؟

مردم تاحدی طاقت مقاومت دارند. لذا چون انگلیس مانع صدور و فروش نفت ایران شده بود و شوروی هم طلاهای ایران را پس نمی‌داد و اقتصاد بدون نفت و قرضه ملی هم چنان که باید و شاید کارساز نبود، مردم از نظر معیشتی در فشار و ناراضی بودند. نیروهایی که تا آخر با مصدق ماندند طبقه متوسط و روشنفکر بودند اما اکثر مردم از این که اقتصاد مشکل داشت، ناراضی بودند.

مردم در سقوط مصدق از این نظر نقش داشتند که انگلیس و آمریکا به ایران لشکر کشی نکردند و کسانی که عامل کودتا و تظاهرات شدند از زاهدی گرفته تا برادران رشیدیان و شعبان جعفری بالاخره شهروندان ایران بودند. امثال پری بلنده هم همین‌طور.

۸- نقش مرجعیت شیعه در جلوگیری از کودتا را چگونه توصیف می‌کنید؟

نقش مرجعیت عالی بیطرفی بود. آیت‌الله بروجردی تا چند روز پس از بازگشت شاه به او تبریک گفت. آیت‌الله سیدرضا زنجانی پس از کودتا نهضت مقاومت ملی را بر ضد شاه رهبری کرد.

۹- آیا اختلاف دکتر مصدق با آیت‌الله کاشانی در حدی بود که شکاف عمیقی در همیت ملی ایجاد کند؟

اختلاف مصدق و کاشانی شکاف و انشقاق در بین ملیون و مذهبیبون ایجاد کرد. در ۳۰ تیر اتحاد موجب پیروزی و در ۲۸ مرداد اختلاف موجب شکست شد.

۱۰- موضع آیت‌الله بروجردی نسبت به دکتر مصدق و دولت او را چگونه توصیف و ارزیابی می‌کنید؟

آیت‌الله بروجردی خود را فراتر از ورود به جزئیات دانستند. پس از کودتا هم جلوی اعدام فاطمی را نگرفت. ولی همدرسش حاج آقا رحیم ارباب واسطه شد و شوربختانه اثر نکرد.

۱۰- موضع آیت‌الله بروجردی نسبت به دکتر مصدق و دولت او را چگونه توصیف و ارزیابی می‌کنید؟

حزب توده، که خود یکی از عوامل تضعیف دولت و هموار شدن مسیر کودتا بود، با وجود نفوذ در ارتش، به اشاره شوروی حرکتی انجام نداد و تنها تماشاچی اوضاع بود. از سوی مردم عادی نیز کار موثری نمی‌توانست صورت گیرد، زیرا بخشی از مردم، بنابر آنچه در بالا گفته شد، مخالف مصدق یا طرفداران مصدق نیز غافلگیر شده و غیر سازمان یافته بودند و نمی‌توانستند

دولت‌های آمریکا و بریتانیا (انگلیس)، دربار پهلوی و مخالفان دکتر مصدق در ایران برنامه‌ریزی و تدارک شده بود. توطئه ۹ اسفند ماه ۱۳۳۱، کشتن افشار طوس (رئیس شهربانی)، تظاهرات خیابانی و حملات رسانه‌ای هماهنگ شده را می‌توان به عنوان نمونه برشمرد. نخستین اقدام نظامی در شب ۲۵ مرداد ۳۲ با فرستادن تانک و خودروهای نظامی به محل اقامت دکتر مصدق و دستگیری تعدادی از وزیران صورت گرفت که با هوشیاری شخص مصدق و افسران وفادار به او ناکام ماند و منجر به دستگیری سرهنگ نصیری و نظامیان همراه او شد. البته، عوامل کودتا دست نکشیدند. سرلشگر زاهدی با پشتیبانی ماموران سیا و سفیر آمریکا از خفا خارج شد و عوامل داخلی با دلارهای دریافتی از آمریکا به استخدام لات‌ها و پرداختند.

از سوی دیگر، حزب توده (که عوامل انگلیس هم در آن نفوذ داشتند و بیشتر نیز برای تأمین منافع و اجرای برنامه‌های اتحاد شوروی از هیچ اقدامی علیه مصدق و دولت او فروگذار نکرده و باعث نگرانی بخشی از مردم و روحانیت درباره تسلط کمونیست‌ها بر ایران شده بود) با برپایی تظاهرات و پایین کشیدن مجسمه‌های شاه بر خشم مخالفان مصدق و نگرانی دلسوزان ایران افزود. از سوی دیگر، در میان طرفداران مصدق و نهضت ملی انسجام لازم وجود نداشت و توده مردم نیز سازمان یافته نبودند.

در تهران، از صبح روز ۲۸ مرداد کامیون‌های حامل مزدوران سازمان یافته در خیابان‌ها به حرکت درآمدند و آنان با تکان دادن پرچم ایران و سردادن شعارهایی مانند زنده باد شاه و مرگ بر مصدق به تحریک مردم برای برپایی تظاهرات و نیز آتش زدن و تخریب اموال عمومی و قتل و غارت پرداختند.



گزارش‌ها حاکی از کشته شدن صدها نفر بوده است. همچنین، بخشی از نیروهای نظامی با فرماندهی افسران بازنشسته شده در دولت مصدق یا مخالف دولت نیز به حرکت درآمدند و از جمله با تانک به منزل دکتر مصدق یورش بردند که منجر به تخریب خانه و به غارت رفتن اموال و اسناد آن بزرگمرد شد. البته، مقاومت‌های جانانه‌ای از سوی نیروهای طرفدار دولت صورت گرفت ولی کافی نبود.

حزب توده، که خود یکی از عوامل تضعیف دولت و هموار شدن مسیر کودتا بود، با وجود نفوذ در ارتش، به اشاره شوروی حرکتی انجام نداد و تنها تماشاچی اوضاع بود. از سوی مردم عادی نیز کار موثری نمی‌توانست صورت گیرد، زیرا بخشی از مردم، بنابر آنچه در بالا گفته شد، مخالف مصدق یا طرفداران مصدق نیز غافلگیر شده و غیر سازمان یافته بودند و نمی‌توانستند

دولت‌های آمریکا و بریتانیا (انگلیس)، دربار پهلوی و مخالفان دکتر مصدق در ایران برنامه‌ریزی و تدارک شده بود. توطئه ۹ اسفند ماه ۱۳۳۱، کشتن افشار طوس (رئیس شهربانی)، تظاهرات خیابانی و حملات رسانه‌ای هماهنگ شده را می‌توان به عنوان نمونه برشمرد. نخستین اقدام نظامی در شب ۲۵ مرداد ۳۲ با فرستادن تانک و خودروهای نظامی به محل اقامت دکتر مصدق و دستگیری تعدادی از وزیران صورت گرفت که با هوشیاری شخص مصدق و افسران وفادار به او ناکام ماند و منجر به دستگیری سرهنگ نصیری و نظامیان همراه او شد. البته، عوامل کودتا دست نکشیدند. سرلشگر زاهدی با پشتیبانی ماموران سیا و سفیر آمریکا از خفا خارج شد و عوامل داخلی با دلارهای دریافتی از آمریکا به استخدام لات‌ها و پرداختند.

از سوی دیگر، حزب توده (که عوامل انگلیس هم در آن نفوذ داشتند و بیشتر نیز برای تأمین منافع و اجرای برنامه‌های اتحاد شوروی از هیچ اقدامی علیه مصدق و دولت او فروگذار نکرده و باعث نگرانی بخشی از مردم و روحانیت درباره تسلط کمونیست‌ها بر ایران شده بود) با برپایی تظاهرات و پایین کشیدن مجسمه‌های شاه بر خشم مخالفان مصدق و نگرانی دلسوزان ایران افزود. از سوی دیگر، در میان طرفداران مصدق و نهضت ملی انسجام لازم وجود نداشت و توده مردم نیز سازمان یافته نبودند.

در تهران، از صبح روز ۲۸ مرداد کامیون‌های حامل مزدوران سازمان یافته در خیابان‌ها به حرکت درآمدند و آنان با تکان دادن پرچم ایران و سردادن شعارهایی مانند زنده باد شاه و مرگ بر مصدق به تحریک مردم برای برپایی تظاهرات و نیز آتش زدن و تخریب اموال عمومی و قتل و غارت پرداختند.

گزارش‌ها حاکی از کشته شدن صدها نفر بوده است. همچنین، بخشی از نیروهای نظامی با فرماندهی افسران بازنشسته شده در دولت مصدق یا مخالف دولت نیز به حرکت درآمدند و از جمله با تانک به منزل دکتر مصدق یورش بردند که منجر به تخریب خانه و به غارت رفتن اموال و اسناد آن بزرگمرد شد. البته، مقاومت‌های جانانه‌ای از سوی نیروهای طرفدار دولت صورت گرفت ولی کافی نبود.

حزب توده، که خود یکی از عوامل تضعیف دولت و هموار شدن مسیر کودتا بود، با وجود نفوذ در ارتش، به اشاره شوروی حرکتی انجام نداد و تنها تماشاچی اوضاع بود. از سوی مردم عادی نیز کار موثری نمی‌توانست صورت گیرد، زیرا بخشی از مردم، بنابر آنچه در بالا گفته شد، مخالف مصدق یا طرفداران مصدق نیز غافلگیر شده و غیر سازمان یافته بودند و نمی‌توانستند



با دست خالی در برابر مهاجمان خشن مجهز به سلاح‌های سرد و گرم بایستند. دخالت نیروهای طرفدار دولت هم می‌توانست به پدیدار شدن جنگ داخلی و کشتار گسترده منجر شود.

بدین ترتیب، عوامل کودتا به تدریج مراکز مهم دولتی و نظامی را اشغال کردند و کودتا در تهران پیروز شد. درباره وضعیت شهرهای کوچک و روستاها، من اطلاعاتی ندارم ولی در اصفهان و تبریز مقاومت در برابر کودتاگران ادامه یافت و کودتا با تأخیر به نتیجه رسید.

ملی شدن صنعت نفت در ایران، نه تنها دولت انگلیس را (که هنوز به نام امپراتوری بریتانیا و ابر قدرت رده دوم شناخته می‌شد) از منافع سرشار و دخالت موثر در امور ایران و دولت‌های آمریکا و شوروی را از دستیابی به سهمی در صنعت نفت ایران محروم می‌کرد، این نگرانی عمیق را ایجاد کرده بود که بتواند الگویی برای سایر کشورهای تحت استعمار یا نفوذ ابر قدرت‌ها قرار گیرد و پایه‌های امپراتوری بریتانیا را به لرزه درآورد (همچنان که رخ داد و یکی از نخستین پیامدهایش ملی شدن کانال سوئز به وسیله دولت مصر، به رهبری جمال عبدالناصر، بود).

از این رو، تلاش دولت انگلیس و متحدانش برای به شکست کشاندن نهضت ملی ایران و اجزایی نشدن قانون ملی شدن صنعت نفت قابل انتظار و پیش‌بینی بود و دکتر مصدق و یارانش، با اتکا به پایگاه داخلی و قدرت مردم، برای خنثی کردن توطئه‌های بالقوه می‌کوشیدند.

شرایط اجتماعی و سیاسی ایران از دیرباز به گونه‌ای بوده است که احزاب نیرومند فراگیر و دیرپا، با معیارهای بین‌المللی، هیچ‌گاه شکل نگرفته‌اند. شاید تنها استثنا حزب توده بود که با استفاده از پشتیبانی و آموزش حزب کمونیست اتحاد شوروی توانسته بود از نظر کمی و کیفی به آن معیارها نزدیک شود.

احزاب و سازمان‌های فعال دیگر عبارت بودند از: حزب ایران، حزب آزادی مردم ایران (به رهبری محمد نخشب)، حزب زحمتکشان ملت ایران (به رهبری دکتر مظفر بقایی کرمانی)، حزب زحمتکشان نیروی سوم (به رهبری خلیل ملکی)، حزب ملت ایران بر بنیاد پان ایرانیسم، به رهبری پزشکپور (که در تیر ماه ۱۳۳۱، داریوش فروهر و یارانش از آن جدا شدند و حزب ملت ایران را بنیاد نهادند و پزشکپور و یارانش حزب پان ایرانیست را تأسیس کردند)، حزب سومکا (طرفدار شاه)، جمعیت فداییان اسلام به رهبری مجتبی نواب صفوی و مجمع مسلمانان مجاهد (به رهبری شمس قنات‌آبادی). بخش‌های بزرگی از دانشگاهیان و بازاریان غیر تشکیلاتی نیز پشتیبان جدی نهضت ملی ایران بودند.

ادامه در صفحه ۴



هیئات من الذله

ذلت و خواری به مراتب از ما (اهل بیت) دور است.

قسمت نخست این مقاله، در شماره ۳ ماهنامه منتشر شده است.
در این شماره قسمت دوم و پایانی مقاله از نظر گرامی تان می‌گذرد.

چگونه عاشورا مسیر اسلام شیعی و شیعیان ایرانی را تغییر داد؟

درباره عوامل گرایش ایرانیان به علویان و مذهب تشیع، مورخان و پژوهشگران نظرات متفاوتی بیان کرده‌اند.

این کلام امام حسین (علیه‌السلام)، برجسته‌ترین پیام عاشورا است. چنان که پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید: «هیچ مؤمنی حق ندارد نفس خود را ذلیل و خوار بشمارد.»

قیام محمد بن عبدالله نفس زکیه

در روزگار فرمانروایی منصور، دومین خلیفه عباسی، آزار و اذیت خاندان پیامبر و آل علی (ع) فزونی یافت. منصور، که نگران قیام‌های علویان و شیعیان بود، پس از بازگشت از سفر حج به سال ۱۴۰ هجری وارد مدینه شد و به جستجوی محمد بن عبدالله بن حسن بن علی بن ابی‌طالب پرداخت که در اندیشه قیام بود و داعیان را به خراسان و جاهای دیگر فرستاده بود، اما او را نیافت و به ناچار پدر و فرزندان و جمعی از خویشان او را به بند کشید. شگفت آن است که مالک بن انس، پیشوای سنیان مالکی و ابوحنیفه پیشوای سنیان حنفی فتوا بر حقانیت محمد دادند. این قیام در حالی که ابراهیم، برادر محمد نفس زکیه، بر بصره دست یافته بود و مردم مدینه نیز به یاری او برخاسته بودند با سرکوب مردم مدینه توسط لشکریان خلیفه و کشته شدن محمد نفس زکیه در سال ۱۴۵ هجری پایان یافت.

قیام ابراهیم بن عبد الله بن حسن

ابراهیم بن عبدالله، برادر محمد نفس زکیه، با آگاهی از شکست و کشته شدن برادر بزرگ‌تر، مردمان را به سوی خویش خواند و داعیان و حاکمانی به فارس و واسط و... گسیل داشت و سپاهی عظیم فراهم آورد. ابراهیم در نخستین مراحل جنبش به پیروزی‌های چشمگیری دست یافت و کار را بر منصور، خلیفه عباسی، دشوار کرد، اما حمله‌های پیاپی سردار منصور، مسلم بن قتیبه باهلی، سرانجام در سال ۱۶۴ هجری موجبات شکست بسیاری از یاران او را فراهم آورد، به‌گونه‌ای که ایستادگی دلیرانه ابراهیم و شمار اندکی از یارانش سودی نبخشید و ابراهیم کشته شد و سرش به نزد منصور فرستاده شد. براساس نوشته‌های بسیاری از منابع معتبر تاریخی به جای مانده از آن روزگاران از جمله تاریخ فخری، بسیاری از فقیهان و محدثان برجسته در سپاه محمد و ابراهیم شرکت جسته بودند و البته همه آنان پس از شکست جنبش به قتل رسیدند. برپایه برخی روایات پس از دفع این قیام از سوی منصور، اوضاع بر شیعیان و علویان بسیار سخت شد و تا چندی آنان را رخوت و سستی دربرگرفت و بسیاری از علویانی که در زندان به سر می‌بردند کشته شدند.

قیام عبدالله بن اشتر علوی

با شهادت جعفر بن محمد باقر (ع) و در پی آن تعقیب و آزار و کشتار سادات حسنی و حسینی، که از جمله اقدام‌های عباسیان برضد شیعیان علوی بود، در تمام مدت حکومت مهدی، هادی و هارون شورش‌هایی جسته و گریخته و البته با انگیزه‌های مختلف در گوشه و کنار سرزمین‌های اسلامی علیه عباسیان برپا شد. یکی از این قیام‌ها دعوت عبدالله بن اشتر علوی از نوادگان حسن بن علی (ع) در سال ۱۵۱ هجری در نواحی سیستان و سند بود که سرانجام توسط کارگزاران عباسی فرونشست.

قیام صاحب فنج

از دیگر علویانی که علیه حاکمان عباسی به پا خاست، حسین بن علی بن الحسن بن الحسن بن علی بن ابی‌طالب (ع) بود که در ماهی پایانی سال ۱۶۹ هجری در مدینه قیام کرد. برابر مستندات تاریخی در این سال از سوی هادی، خلیفه عباسی، فردی از نوادگان عمر بن خطاب، خلیفه دوم، که بر علویان بسیار سخت می‌گرفت، بر مدینه حکم می‌راند. حسین بن علی که از رفتار و منش حاکم آزرده شده و به تنگ آمده بود با گروهی از هواداران علویان در مدینه قیام کرد و مؤذن به فرمان او در اذان صبح به شیوه شیعیان جمله «حتی علی خیر العمل» نیز گفت. حاکم با شنیدن اذان از مدینه گریخت. اما در همین هنگام گروهی از سپاهیان خلیفه به سرداری موسی بن عیسی، محمد بن سلیمان و حماد ترکی از سفر حج بازمی‌گشتند و چون اوضاع را چنین یافتند، در ناحیه فنج، که مکانی در میانه راه مکه و مدینه است، به نبرد با حسین بن علی روی آوردند و او و یارانش را، که بسیاری از بزرگان علوی و راویان حدیث نیز در زمره آنان بودند، شکست دادند و به قتل رساندند.

قیام ادریس بن عبدالله

ادریس بن عبدالله بن حسن بن حسن بن علی بن ابی‌طالب (ع) - پس از شکست قیام صاحب فنج - به اتفاق غلام خود، راشد، با کاروان حجاج مصر رهسپار آن دیار شد و سپس به مراکش رفت و در شهر فاس مردم را دعوت به شورش کرد. ادریس در سال ۱۷۰ هجری با پشتیبانی مردم توانایی آن را یافت تا کارگزاران هارون الرشید عباسی را از آن دیار خارج سازد و خود قدرت را به دست گیرد. هارون الرشید در مقام چاره‌جویی برآمد و چون به سبب دوری راه و همچنین پاره‌های مشکلات، شرایط را برای لشکرکشی مساعد نیافت، به حيله‌گری روی آورد و فردی به نام سلیمان بن جریر را با عطری مسموم روانه شمال آفریقا کرد، سلیمان عطر را تقدیم ادریس کرد و البته او با استشمام آن بی‌هوش شد و بر زمین افتاد. مردم فاس پس از مرگ ادریس در سال ۱۷۵ هجری فرزند وی را با نام «ادریس ثانی» به حاکمیت برداشتند. برابر با منابع تاریخی، ادریسیان تا سال ۳۷۵ هجری بر بخش‌هایی از شمال آفریقا حکم می‌راندند هرچند که هرگز خود را خلیفه نخواندند.

قیام ابو السرایا

در روزگار خلافت مأمون عباسی نیز در عراق و همچنین دیگر مناطق سرزمین‌های اسلامی قیام‌هایی چند انجام پذیرفت. از جمله این قیام‌ها می‌توان به قیام ابوالسرایا در سال ۱۹۰ هجری اشاره داشت. در این سال، سری بن منصور شیبانی، مشهور به ابو السرایا، که گرایش به علویان داشت مردم را به امامت یکی از نوادگان حسن بن علی (ع) به نام محمد بن ابراهیم معروف به «ابن طباطبا» فراخواند و به نام او قیام کرد. مردم کوفه با ابن طباطبا بیعت کردند و بدین ترتیب با شکست

حاکم کوفه او را به نزد حسن بن سهل، حاکم عراق، فراری دادند. یاران ابن طباطبا سپاهیان حسن بن سهل را که به نبرد آمده بودند نیز شکست دادند، اما در همین هنگام ابن طباطبا در کوفه وفات یافت.

با وفات ابن طباطبا، ابو السرایا و یارانش با محمد بن محمد بن زید بن علی بن حسین بیعت کردند و شهرهای مختلفی را تصرف کردند. بدین ترتیب حاکم عراق با دشواری بزرگی روبه‌رو شد، اما سرانجام با یاری هرثمه بن اعین توانست بر سپاهیان ابو السرایا پیروز شود و با کشتن ابو السرایا آتش قیام را فرونشاند. حسن بن سهل با وجود کشتن ابو السرایا با محمد بن محمد بن زید رفتاری نیکو داشت و حرمت او را نگاه داشت.

قیام محمد بن قاسم علوی

محمد بن قاسم بن علی بن عمر بن علی بن حسن بن علی بن ابی‌طالب از دیگر علویانی است که ستمگری و رفتار تحقیرآمیز حاکم را تحمل‌پذیر نیافت و در کوفه بر ضد سیاست عباسیان به پا خاست، لیکن، تاب مقاومت در برابر هجوم سپاهیان معتصم، خلیفه عباسی، را نیاورد و رو به سوی خراسان گریزان شد و با کمک مردم در شهرهای مرو و سرخس و طالقان قیامی دیگر علیه حکومت پایه‌ریزی کرد. وی مدتی سپاه عبدالله بن طاهر، که مأمور دفع قیام او بود، را به خود مشغول داشت، اما سرانجام سپاهیان عبدالله او را دستگیر و روانه بغداد کردند و او در آن‌جا زندانی شد. برپایه برخی روایات او از زندان گریخت و به واسط رفت و همان‌جا ماند تا درگذشت.

قیام یحیی بن عمر علوی

حاکمیت خشونت‌بار و سیاست ضد علوی خلفای عباسی به‌ویژه متوکل، دگربار اسباب قیام‌های علویان و طرفدارانشان را فراهم ساخت. متوکل عباسی، یحیی بن عمر بن حسین بن زید بن علی بن حسین بن علی بن ابی‌طالب را که مردی دانشمند و فقهی دلاور بود و بیم شورش او می‌رفت به زندان افکند، لیکن پس از چندی او از زندان گریخت و در سال ۲۴۹ هجری و به روزگار خلافت مستعین، مردم را به «الرضا من آل محمد» دعوت کرد. براساس مستندات تاریخی گروهی بی‌شمار بر گرد او فراهم آمدند و کار او بالا گرفت و حتی توانست با راندن حاکم عباسی، بر شهر کوفه تسلط یابد. در سال ۲۵۰ هجری دستگاه خلافت عباسی برای پایان دادن به غائله او لشگری به سوی کوفه گسیل داشت. در نزدیکی کوفه نبرد آغاز شد و با کشته شدن یحیی بن عمر این نبرد و قیام او نیز پایان پذیرفت.

نهضت علویان طبرستان

از سده سوم هجری به بعد، اسلام در طبرستان که مدت‌ها در برابر هجوم اعراب مقاومت کرده بود، گسترش یافت و این بی‌تأثیر از مهاجرت علویان به طبرستان نبود؛ چرا که بسیاری از آنان برای فرار از دست کارگزاران حکومت عباسی روی بدان سامان گذاشته بودند. علویان با الگو قرار دادن حماسه‌های

خونین پیشین، در برابر بیدادگری‌های خلافت عباسی ایستادگی و مجاهدت‌های بسیار کردند و سرانجام در جستجوی کانون‌های مبارزه که در عین حال دور از تعرض حکام باشد به طبرستان، که به اقتضای موقعیت خاص جغرافیایی و اقلیمی پناهگاه مبارزان به شمار می‌رفت، روی آوردند. نارضایتی مردم طبرستان از خاندان ایرانی‌تبار طاهری که بر شرق ایران و قسمت‌هایی از طبرستان به تأیید خلفای عباسی حکومت داشتند و نیز جاذبه معنوی علویان سبب تقویت هرچه بیشتر پایگاه اجتماعی علویان در این ناحیه از ایران‌زمین شد. این نفوذ علویان چنان فزونی یافت که بومیان طبرستان رو به سوی محمد بن ابراهیم علوی نهادند و بر گرد او آمدند. وی که به زهد و دانش شهره بود، مردمان را به سوی داماد خویش، حسن بن زید بن محمد بن اسماعیل بن حسن بن علی بن ابی‌طالب، که در ری می‌زیست، هدایت کرد. بدین سبب نمایندگانی از سوی مردم طبرستان برای دیدار و گفتگو با حسن بن زید بار سفر به ری بستند. آنچه روشن است و از منابع تاریخی برمی‌آید آن است که حسن بن زید با آنان بیعت کرد.

در اندک زمانی، حسن بن زید، که به «داعی کبیر» نیز مشهور شد، توانست با پشتیبانی یاران بر مخالفان پیروز شود، به‌گونه‌ای که در سال ۲۵۰ هجری نخستین حکومت مستقل شیعی علوی تاریخ ایران در امل بنیان نهاده شد.

حکومت علویان سبب شد تا بسیاری از سادات روانه طبرستان شوند و آن‌جا را زیستگاه خویش قرار دهند و البته این مهاجرت گسترده سادات علوی محکم‌تر شدن بنیان‌های اعتقادی مذهب تشیع را موجب شد. از دیگر سوی بنیاد علمی فقه و آرای شیعی با تألیفات حسن بن زید و همچنین پشتیبانی علویان از فعالیت‌های فرهنگی و مذهبی، مانند ساخت مسجد و مدرسه و کتابخانه، قوی‌تر شد.

آنچه روشن است اخبار نهضت علویان، مستعین، خلیفه عباسی را به مبارزه جدی واداشت. وی در فرمانی محمد بن عبدالله بن طاهر را، که بر خراسان حکم می‌راند، مأمور سرکوب علویان طبرستان کرد، اما محمد بن عبدالله از این لشکرکشی حاصلی جز شکست نیافت و ناگزیر به بازگشت شد. در سال ۲۸۷ هجری و به هنگامی که محمد بن زید بر علویان حکومت می‌کرد، امیر اسماعیل سامانی به طبرستان حمله برد و بر آن مسلط شد و محمد بن زید را کشت. سلطه سامانیان بر طبرستان ۳۱ سال به درازا انجامید، اما حسن بن علی، مشهور به «ناصر کبیر»، در سال ۳۰۱ هجری دگربار حکومت علویان را احیا کرد.

علویان به دلیل میدان رقابت رقیبان نتوانستند اقتدار سیاسی خود را چنان‌که باید حفظ کنند و از این رو، سرانجام سقوط کردند، اما آنچه روشن است یاد و خاطره آنان همواره در میان علویان باقی ماند و علویان هرگاه موقعیت می‌یافتند مانند آنان به مبارزه علیه حاکمان برمی‌خاستند.

ادامه از صفحه ۲: کودتا یا فرجامی خفته برای ایران

احزاب ایران، آزادی مردم ایران، زحمتکشان ملت ایران، زحمتکشان نیروی سوم و ملت ایران هوادار نهضت ملی ایران و دولت دکتر مصدق بودند. ولی افزون بر آن که قدرت و پایگاه مردمی گسترده نداشتند فاقد هماهنگی و انسجام کافی برای حفظ نهضت و دولت ملی بودند. البته، آیت‌الله کاشانی، مکی، دکتر بقایی، شمس قنات آبادی، حائری‌زاده و عده‌ای دیگر در نیمه راه (تیر ماه ۱۳۳۱) به صف مخالفان مصدق و بعضاً به کودتاگران پیوستند.

پس از ۲۸ مرداد ۳۲، به علت خفقانی که دولت سپهبد زاهدی حاکم کرد، احزاب طرفدار مصدق از فعالیت علنی و آزاد محروم شدند و نهضت مقاومت ملی ایران، با پیشنهاد آیت‌الله سید رضا زنجانی و مشارکت عده‌ای از رهبران احزاب و فعالان سیاسی طرفدار مصدق شکل گرفت و علیه دولت کودتا به مبارزه برخاست. در واقع، جبهه ملی اول عملاً منحل شد. در سال ۱۳۳۹، که فضای سیاسی ایران با توصیه رئیس‌جمهور آمریکا (جان کندی) کمی باز شد، جبهه ملی دوم تشکیل یافت.

غول‌های نفتی آمریکا، که در نفت عربستان (شرکت آرامکو) تقریباً ۵۰٪ سهم داشتند ولی در کشورهای دیگر سرشان بی‌کلاه بود (۱۶٪ نفت خاورمیانه در برابر ۶۸٪ سهم انگلیس)، امیدوار بودند که سهمی در اداره و بهره‌برداری از نفت ایران به دست آورند و به این علت، دولت آمریکا با دولت مصدق مخالفت نمی‌کرد؛ در عین حال نمی‌خواست که با متحد قدیمش مبارزه کند؛ بنابراین، این سعی داشت که میان دولت‌های ایران و انگلیس مصالحه‌ای صورت گیرد و منافع آمریکا نیز تامین شود. هنگامی که دکتر مصدق آخرین پیشنهاد مشترک انگلیس و آمریکا را به دلیل مغایرت آن با قانون ملی شدن صنعت نفت نپذیرفت، آمریکا نیز در مخالفت با مصدق به انگلیس پیوست و مشترکاً زمینه‌های کودتا را فراهم کردند.

احزاب ایران، آزادی مردم ایران، زحمتکشان ملت ایران، زحمتکشان نیروی سوم و ملت ایران هوادار نهضت ملی ایران و دولت دکتر مصدق بودند. ولی افزون بر آن که قدرت و پایگاه مردمی گسترده نداشتند فاقد هماهنگی و انسجام کافی برای حفظ نهضت و دولت ملی بودند.

جبهه ملی ایران یک حزب نبود، بلکه از رهبران چندین حزب و سازمان، ۴ مدیر روزنامه و برخی شخصیت‌ها با سلیقه‌ها و دیدگاه‌های متفاوت تشکیل شده بود. دکتر مصدق با علم به این موضوع و احتمال جدا شدن برخی از اعضا در آینده، جبهه را برای پیشبرد نهضت ملی کردن صنعت نفت پایه‌گذاری کرده بود. همان طور که گفته شد، برخی از آنها پس از ۳۰ تیر ۱۳۳۱ از جبهه ملی خارج شدند و در صف مخالف قرار گرفتند. بدیهی است که این چند دستگی و تضاد مواضع و عملکردها مورد استفاده کودتاگران واقع شد.

ریشه‌های سقوط دولت دکتر مصدق تماماً بیرونی و درونی بود. نیروهای مهم بیرونی دولت‌های انگلیس، آمریکا و شوروی و نیروهای درونی دربار، افراد مزدور و وابسته به بیگانه، بخشی از نیروهای نظامی و انتظامی و

فعالان سیاسی مخالف مصدق بودند. تحریم صدور نفت ایران و کارشکنی‌های دیگر مخالفان و دشمنان در امور جاری کشور وضع اقتصادی را دشوار کرده بود. عده‌ای از مردم نیز، تحت تاثیر تبلیغات مغرضانه مخالفان دولت، از احتمال تسلط کمونیسم بر ایران نگرانی داشتند. ولی بخش بزرگی از مردم، با تحمل همه مشکلات، به نهضت ملی ایران و دولت مصدق وفادار بودند.

در این مورد اطلاعی ندارم. مخالفت آیت‌الله کاشانی با دکتر مصدق تدریجاً به جایی رسید که به همبستگی ملی آسیب وارد شد و مورد استفاده کودتاگران قرار گرفت.

من به سندی در باره موضع آیت‌الله بروجردی نسبت به شخص یا دولت دکتر مصدق برخورد کرده‌ام ولی شنیده‌ام که آن بزرگوار پشتیبان نهضت ملی شدن صنعت نفت بوده و درخواست وسوسه‌گران و خناسان را برای صدور حکمی از جانب ایشان در نفی مصدق نپذیرفته است.

شهریور ماه ۱۳۹۸

ادامه از صفحه ۱: مزایا و معایب دو دیدگاه نسبت به حقوق بشر

امیری مقدم جایزه «اندرس جارا» (Anders Jahre) را که یک جایزه پزشکی برای دانشمندان جوان است، در سال ۲۰۰۸ دریافت کرد.

او همچنین عضو Academy of Science and Letters و حروف نروژ است. وی در سال ۲۰۱۳ توسط یک گروه مستقل به عنوان یکی از ۱۰ «درخشان‌ترین ذهن‌ها» در نروژ برگزیده شد. این لیست در روزنامه وی جی VG نروژ منتشر شده بود.

امیری مقدم همچنین به عنوان یک مدافع حقوق بشر شناخته شده است و برای فعالیت‌های کم‌نظیر خود در راه مبارزه با نقض حقوق بشر در کشورهای عضو سازمان ملل، در سال ۲۰۰۷ موفق به کسب جایزه حقوق بشر سازمان عفو بین‌الملل نروژ شد.

البته باید مشخص نمود که منظور از کشورهای اسلامی دقیقاً چیست؟ آیا دین اکثریت جمعیت آن کشور ملاک است یا اسلامی بودن حکومت معیار اسلامی دانستن کشورها می‌شود؟! اما اگر هر دوی این ملاک‌ها را در نظر بگیریم، وضعیت سایر کشورهای اسلامی نیز در این گزارش چندان مطلوب نیست.

برای مثال کشورهایی مثل بحرین و اردن با رتبه ۷۵، لبنان با رتبه ۹۵ جایگاهی خوب و نیز کشورهایی مثل تونس با رتبه ۱۰۹، ترکیه با رتبه ۱۰۷ و قطر با رتبه ۱۰۳، امارات با رتبه ۱۱۷ و مالزی با رتبه ۱۱۰، عربستان با رتبه ۱۴۶، آذربایجان با رتبه ۱۳۰ و همچنین کویت با رتبه ۱۲۴ و عمان با رتبه ۱۲۹ و پاکستان با رتبه ۱۴۰ جایگاه نسبتاً بهتری از ایران دارند اما کشورهای چینی چون عراق با رتبه ۱۵۹، سوریه با رتبه ۱۶۲، مصر با رتبه ۱۵۶، یمن با رتبه ۱۶۰ و سودان با رتبه ۱۵۷ وضعیت بدتری از ایران به عنوان کشوری مسلمان دارند.

برخی کشورهای مسلمان همچون افغانستان و تاجیکستان در این رتبه بندی حضور ندارند. ولی بر اساس گزارش‌های ستاد مستقل حقوق بشر افغانستان در سال‌های اخیر این کشور پیشرفت‌های زیادی در زمینه حقوق بشری داشته است. برای مثال سن مسولیت کیفری در افغانستان ۱۸ سال است و کودک مجرمان دیگر در این کشور اعدام نمی‌شوند.

وضعیت ایران در میان کشورهای اسلامی از منظر رعایت حقوق شهروندی و حقوق بشر توسط ارکان حاکمیت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟ ایران به لحاظ رتبه‌بندی کدام جایگاه را دارد؟

همان‌طور که مستحضرد یکی از معیارها برای ارزیابی مقایسه‌ای رعایت حقوق بشر در کشورهای مختلف، ایندکس‌هایی است که نهادها و موسسات غیردولتی حقوق بشری بر اساس مشارکت‌ها و گزارش‌های وکلا و سازمان‌های مستقل حقوق بشری ارائه می‌کنند. یکی از این ایندکس‌ها ایندکس آزادی انسان‌ها است که توسط سازمان کتو (Cato) تهیه می‌شود و از اعتبار بالایی برخوردار است.

در ایندکس آخری که این سازمان در مورد رده‌بندی میزان رعایت معیارهای حقوق بشری توسط کشورهای مختلف در سال ۲۰۱۸ ارائه شده است می‌توان کشورهای اسلامی مختلفی را دید که متأسفانه اکثر این کشورها در جایگاه آخر این رده‌بندی قرار دارند.

ادامه از صفحه ۱: نقش مطبوعات و نشریات در جوامع امروزی

به حمدالله در کشور ما (ایران) با وجود قومیت و نژادهای مختلف و نظرات و دیدگاه‌های متفاوت فضای کار برای مطبوعات و جراید کثیرالانتشار باز است و همه آنها با آزادی عمل و البته در چارچوب قانون به فعالیت‌های خود می‌پردازند. با یک مثال ساده می‌توان نقش مطبوعات را بیش از پیش به تصویر کشید.

شما یک بانک و یا موسسه مالی و اعتباری را در نظر بگیرید. این بانک‌ها تبلیغات و اطلاعیه‌هایی در روزنامه‌های

کثیرالانتشار برای اطلاع عموم مردم در سطح کشور منتشر می‌کنند. آن‌ها برای جلب اعتماد مردم عملکرد سالانه خود را اعلام می‌کنند در ضمن سودی را که از سرمایه‌گذاری مردم در این بانک‌ها و موسسات پرداخت می‌کنند را به اطلاع همگان می‌رسانند و همچنین خدماتی که به مردم می‌دهند را یادآور می‌شوند. از جمله وام‌های بلند مدت و نسبتاً کم بهره‌ای که به افرادی که حائز شرایط از جمله خانه اولی‌ها و دختران و پسرانی که قصد ازدواج دارند

جامعه انجام داده و به وظیفه خود به خوبی عمل کرده‌اند.

در پایان یک سوال اساسی: باید دید که هزینه‌های سنگین از قبیل هزینه کاغذ، چاپ نشریات، حقوق پرسنل و کارگران، حمل و نقل و... که از عوامل بسیار مهم در افزایش قیمت نشریات و مجلات است، در آینده‌ای نه چندان دور از تعداد مخاطبین آن‌ها خواهد کاست و آیا فضای مجازی جای آن‌ها را خواهد گرفت یا خیر؟

دکتر علی نوایی | شهریور ماه ۱۳۹۸

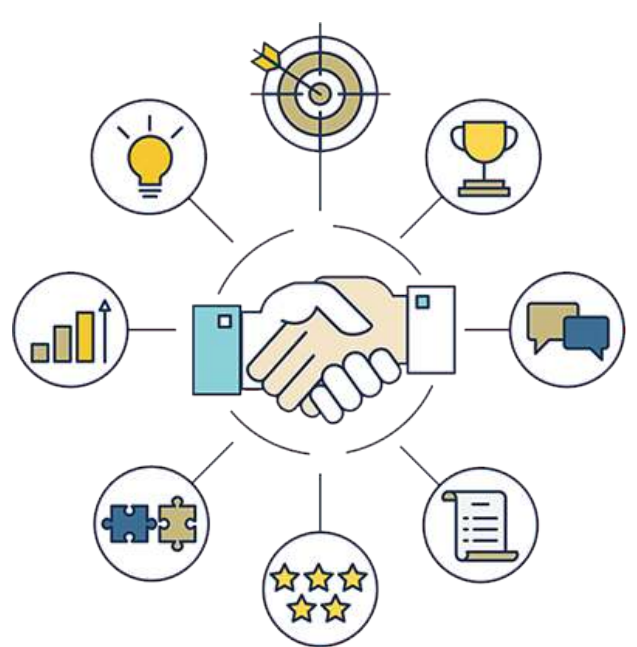
ادامه از صفحه ۱: استفاده از سیستم مدیریت دانش در ادارات

زاین در حالی که حد از تکنولوژی و پیشرفت علمی رسیده است که حدود هفتاد سال پیش، مشکلات عدیده داخلی داشت و در حال جنگ با کشور آمریکا بود.

مردم این کشور کوچک آسیایی خواستند و به هدفشان هم رسیدند. به گونه‌ای که هم اکنون جزء سه کشور اول دنیا در تولید علم هستند. اگر دیگر کشورها در زمینه علمی پیشرفت در خوری نداشته باشند، امثال این کشور روز به روز فاصله‌ها را بیشتر کرده و دست نیافتنی‌تر خواهند شد.

شاید یک راه منطقی و اصولی بتواند فاصله‌ها را کم کند و آن استفاده از سیستم مدیریت دانش است. (مدیریت دانش رسیدن به اهداف عالی سازمان با استفاده از تجربیات و دانش فردی کلیه اعضای شاغل در سازمان است).

مهندسين و محققين در تلاشند که از این دانش به عنوان یک استراتژی استفاده کنند. بین شرکت‌ها و موسسات به منظور بهره‌مندی از دانش و استفاده از آن به منظور بقا در صحنه، همیشه رقابتی وجود دارد. اما در ادارات دولتی متأسفانه چنین نیست. زیرا موسسات و ادارات دولتی عموماً از یک ساختار مرتبه استفاده می‌کنند و آن را به عنوان اشل کاری خود قرار



ایراداتی هم بر آن وارد است. از آن جمله غیر نطفه بودن این سیستم می‌باشد. به طوری که کارکنان نمی‌توانند با آن به راحتی ارتباط برقرار کنند و همچنین مدیران سنتی هم با این سیستم دچار چالش می‌شوند این افراد در گذشته با منابع فیزیکی سر و کار داشته‌اند و از سایر عوامل غافل بودند.

امروزه باید کارهایی صورت گیرد که به ابتکارات و خلاقیت‌های کارکنان بیشتر ارج نهاده شود و طرح ارزشی در سازمان‌ها و ادارات صورت گیرد. مدیران

باید به کارکنانشان بیشتر توجه کنند و انگیزه کاری را در بین آنها بالا ببرند، از خلاقیت‌ها و اظهارنظرهای مفید و سازنده آنها بیشتر بهره‌مند شوند.

مدیران سنتی باید این نکته را در نظر بگیرند که کارکنان و نیروهای امروزی گرچه تجربه و مهارت کافی ندارند و در واقع به اندازه آنها خودساخته نیستند و احتیاج به کسب تجربه دارند، اما با پیشرفت روزافزون علم و روی کار آمدن وسایل ارتباط جمعی و مدرن از جمله کامپیوترهای نسل جدید، لب‌تاپ‌ها، تبلت‌ها، موبایل‌های هوشمند، ارتباط نیروهای جوان با این ابزارها بیشتر از کارکنان و مدیران نسل قبل‌تر از خودشان است و این یعنی یک پیشرفت گسترده و تفاوت در دو نسل.

البته هر دو نسل هنوز هم همکار هستند و در حال خدمت به مردم می‌باشند. پس تلفیق علم و تجربه اگر چه در ابتدا و با وجود دو نسل متفاوت و دیدگاه‌های مختلف شاید کمی سخت به نظر آید، اما بهره‌وری کار را افزایش می‌دهد که امین انعمت مدیران مو مملحات و سازمان‌ها در جهت ارتقا علمی و فنی سازمان‌هایشان به این نکته توجه کنند و به نیروهای جوان بیشتر بها دهند.

دکتر علی نوایی



سیری در روابط ایران و انگلیس در دوره صفویه و چگونگی آغاز دخالت‌های انگلیس در صحنه سیاسی ایران



عباس و این دو دوره نقش مهمی در روابط دو کشور دارد. این روابط در سایه رقابت قدرت‌های منطقه‌ای و بین‌المللی فراز و نشیب و قابلیت تحلیل فراوانی دارد. از روزی که شاه طهماسب دستور داد تا پست سر آنتونی جینکینسون نماینده شرکت مسکوی خاک بریزند - هنگام ملاقات با سفیر عثمانی - نشان داد در این رابطه باید موارد بسیاری را در نظر گرفت و او می‌خواهد به طرف عثمانی که با ایران سر جنگ دارد، بگوید برای کفار ارزشی قائل نیست، هر چند او توانست مقدمات سفر هیات تجاری بعدی را فراهم آورد. در سفر بعدی، شرکت مسکوی موفق شد فرمانی از شاه طهماسب بگیرد که به موجب آن کارگزاران شرکت می‌توانستند بدون دادن عوارض، کالاهای خود را به ایران وارد و ابریشم خام را از آنجا صادر کنند، اما به دلیل رقابت شدید دلال‌های عثمانی، ارمنی و ونیزی، انگلیس در زمینه تجارت با ایران موفقیت چندانی به دست نیاورد.

عمل و تبلیغ دین به کاتولیک‌ها بود. در مقابل، اسپانیا متعهد شد با ایران علیه عثمانی همکاری نظامی داشته باشد. شاه تمام پیشنهادها را به عشق شکست عثمانی و بیرون کردن ترکان از ایران پذیرفت، ولی پس از مدتی امپراتور تصمیم گرفت برای برقراری صلح با عثمانی مذاکره کند. درگذشت شاه عباس، قدرت ایران را به تحلیل برد، اما منجر به کاهش روابط ایران با کشورهای اروپایی نشد. با خارج شدن بیش از اندازه ثروت از ایران (به دلیل عوض شدن مسیر تجارت) ایران از بعد اقتصادی ضعیف‌تر شد، کما اینکه با قدرتمندتر شدن درباریان و گسترش سیاست خالصه کردن مناطق مختلف کشور، درآمد دولت مرکزی به شدت پایین آمده بود.

روابط دیپلماتیک در دوره شاه عباس، ایران دست به گسترش روابط دیپلماتیک خود با کشورهای اروپایی زد که تا آن زمان بی‌سابقه بود. او امیدوار بود بتواند از رهگذر اعزام سفرا و نمایندگان دیپلماتیک به کشورهای اروپایی همکاری و همراهی آنها علیه عثمانی را به دست بیاورد، اما مشکل همیشگی ایران با اروپا بدقولی آنها بود و این موضوعی بود که به شدت ایرانی‌ها را رنج می‌داد. آنها از یک‌سو خواستار مبارزه با عثمانی در جبهه‌های مشترک بودند و از سوی دیگر از خشم ارتش قدرتمند ترک‌ها واهمه داشتند. در اولین اقدام از این دست، شاه عباس، نقدعلی بیگ را به عنوان نخستین سفیر ایران روانه لندن کرد، ولی هیچ‌کدام از اقدامات شاه عباس حتی سفارت شرفی به نتیجه نرسید.

روابط دیپلماتیک در دوره شاه عباس، ایران دست به گسترش روابط دیپلماتیک خود با کشورهای اروپایی زد که تا آن زمان بی‌سابقه بود. او امیدوار بود بتواند از رهگذر اعزام سفرا و نمایندگان دیپلماتیک به کشورهای اروپایی همکاری و همراهی آنها علیه عثمانی را به دست بیاورد، اما مشکل همیشگی ایران با اروپا بدقولی آنها بود و این موضوعی بود که به شدت ایرانی‌ها را رنج می‌داد. آنها از یک‌سو خواستار مبارزه با عثمانی در جبهه‌های مشترک بودند و از سوی دیگر از خشم ارتش قدرتمند ترک‌ها واهمه داشتند. در اولین اقدام از این دست، شاه عباس، نقدعلی بیگ را به عنوان نخستین سفیر ایران روانه لندن کرد، ولی هیچ‌کدام از اقدامات شاه عباس حتی سفارت شرفی به نتیجه نرسید.

شاه عباس دیگری را با هدایا تحت سرپرستی آنتونی شرفی و حسینعلی بیگ روانه دربار دوک ونیز کرد. دوک اعالم کرد: چون با هیات دیپلماتیک ترک مشغول مذاکره و انعقاد پیمان صلح است، از پذیرفتن هیات ایرانی معذور است. طبیعی بود، زیرا وقتی ونیز می‌توانست مشکل خود را با عثمانی، یعنی عامل اصلی بحران حل کند، دیگر نیازی به نزدیکی به ایران نداشت. هیات ایرانی عازم دربار پاپ و سپس دربار فیلیپ سوم شدند. امپراتور اسپانیا از پیشنهاد هیات ایرانی استقبال کرد و قرار شد خیلی زود سفیرانی به اصفهان اعزام کند. فیلیپ سوم هیاتی تحت رهبری آنتونیو دوگوآ برای احیا و تقویت روابط تجاری با ایران در خلیج فارس به اصفهان فرستاد. منتها شرط فیلیپ قطع هرگونه ارتباط ایران با انگلیس بود.

شاه عباس دیگری را با هدایا تحت سرپرستی آنتونی شرفی و حسینعلی بیگ روانه دربار دوک ونیز کرد. دوک اعالم کرد: چون با هیات دیپلماتیک ترک مشغول مذاکره و انعقاد پیمان صلح است، از پذیرفتن هیات ایرانی معذور است. طبیعی بود، زیرا وقتی ونیز می‌توانست مشکل خود را با عثمانی، یعنی عامل اصلی بحران حل کند، دیگر نیازی به نزدیکی به ایران نداشت. هیات ایرانی عازم دربار پاپ و سپس دربار فیلیپ سوم شدند. امپراتور اسپانیا از پیشنهاد هیات ایرانی استقبال کرد و قرار شد خیلی زود سفیرانی به اصفهان اعزام کند. فیلیپ سوم هیاتی تحت رهبری آنتونیو دوگوآ برای احیا و تقویت روابط تجاری با ایران در خلیج فارس به اصفهان فرستاد. منتها شرط فیلیپ قطع هرگونه ارتباط ایران با انگلیس بود. یکی دیگر از پیشنهادهای امپراتور اجازه آزادی

محروم می‌شدند که از واسطه‌گری تجارت ابریشم به دست می‌آوردند. انگلستان به دلیل استقلال دینی از کلیسای رم و نزدیکی ایران به هند و به عنوان بازیگر جدید در خلیج فارس به ایران نزدیک شد و این قدرت را به شاه عباس داد تا بتواند به نحو احسن از این موقعیت بهره‌برداری کند.

مبحث مهمی در مورد همکاری ایران و انگلیس در دوره شاه عباس در مناطق جنوبی را باید مدنظر داشت که به رغم روابط حسنه ایران و اسپانیا، دولت مرکزی باید خاک اشغالی ایران را می‌کرد و در این مورد از رقابت‌های انگلیس با این دو کشور نهایت بهره‌برداری را کرد.

با تشدید رقابت‌های انگلیس و پرتغال در حوزه اقیانوس هند و شکست نیروی دریایی اسپانیا در مقابل بریتانیا (نبرد آرمادای سال ۱۵۸۸م، در زمان فیلیپ دوم) و همچنین صلح شاه عباس با دولت عثمانی، دیگر زمان آتن رسیده بود که ایران خود را از تسلط پرتغال برهانند. شاه عباس به امام قلیخان، بیگربگی فارس دستور داد با تمام قوا به سواحل خلیج فارس برود و کشتی‌های پرتغالی را توقیف کند. سپاه ایران ابتدا به راسال خیمه و قشم حمله و سپس جزیره هرمز را محاصره کرد. اواخر سال ۱۰۲۹ق. ایران به انگلیسی‌ها پیشنهاد کرد علیه پرتغال متحد شوند. در سال بعد انگلیس به سواحل ایران رسید. بین ایران و هیات انگلیسی توافق شد که در صورت نبرد و پیروزی این تعهدات انجام شود:

۱. غنائم جنگی به‌طور مساوی بین ایران و انگلیس تقسیم شود.
۲. قلعه هرمز با تمام تجهیزات به انگلیس واگذار شود.
۳. درآمد گمرکی بین ایران و انگلیس تقسیم شود.
۴. هزینه جنگ نیز به‌طور مساوی تامین شود. سرانجام در سال ۱۰۳۱ق.

کوشش‌های ایران در دوره صفویه چند هدف عمده را دنبال می‌کردند که این اهداف در بقیه مناطق جهان هم صدق می‌کرد، اما مهمترین نکته در این بود که آنها در ایران این اهداف را در عمل هم مورد امتحان قرار دادند. هدف اول را باید در تجارت و سوداگری جستجو کرد، انگلیسی‌ها پیش از تشکیل کمپانی هند شرقی خود، مردمانی سوداگر بودند و دنبال ایجاد راهکارهایی برای تجارت و کسب درآمد بودند، اما مساله دوم، رقابت‌های جهانی آنها بود. از یکسو آنها با کشورهایمانند هلند، اسپانیا، پرتغال و فرانسه رقابت استعماری داشتند و از سوی دیگر نیز با عثمانی به عنوان قدرتمندترین کشور آن روز اروپا که توپپایش دروازه‌های وین را به صدا درآورده بود، سر جنگ و ناسازگاری داشتند.

سومین هدف مهم حضور انگلیسی‌ها در دربار صفوی را می‌توان در تبلیغ آیین مسیحیت ارزیابی کرد، به‌گونه‌ای که مانند دیگر کشورهای اروپایی معمول همراه هر یک از هیات‌های سیاسی و تجاری انگلیسی که عازم ایران و دربار شاهی بود، یک گروه از مبلغان مسیحی را می‌شد ملاحظه کرد. عموم رفتار انگلیسی‌ها در دوره ۲۳۵ ساله سلطنت شاهان صفوی را می‌توان در این اهداف خلاصه کرد. تنها دلیل مستعمره نشدن ایران، وجود رقابت‌های ژئوپلیتیکی تنگاتنگی بود که انگلیس با روسیه در آن دوران‌ها داشت که سبب تصمیم دو قدرت در ایجاد موازنه ژئوپلیتیکی بین خود در ایران شد.

کشور پهناور و دیرپای ایران دارای تمدنی کهن و درخشان، ذخایر معدنی و ثروت‌های فرهنگی غنی و گسترده و موقعیت استراتژیک و جغرافیایی بسیار حساس و مهم در خاورمیانه و جهان اسلام است که این سبب شده مورد توجه و طمع استعمارگران به ویژه انگلیس قرار گیرد.

بازارها در عصر دلهره

زمستان اقتصاد جهان در راه است؟ آن است که به دنبال یافتن گوهایی نشریه اکونومیست در سرمقاله این هفته خود با پیش‌بینی رکود اقتصادی که بازارها انتظارش را می‌کشند، اعلام کرد که نشانه‌های در یافتی از بازارهای اوراق قرضه، ارز و کالاها به‌طور روزافزونی هشدار دهنده شده است. اکونومیست نوشت: جست‌وجو برای یافتن معنایی در بازارهای مالی همانند

اندر فوائد کتابخوانی

زندانی در برزیل وجود دارد که زندانیان با خواندن یک کتاب و نوشتن برداشت خود از کتاب می‌توانند چهار روز از مدت زمان حبس خود کم کنند! مردی که به جرم سرقت مسلحانه به زندان محکوم شده بود، با خواندن حدود سیصد جلد کتاب، مدت حبس خود را از ده سال به کمتر از هفت سال کاهش داد. این مرد پس از آزادی از زندان، به لطف مطالعات و دانش کسب شده در

درباره شرایط سرمایه‌گذاران و اوضاع زمانه هستند. معمول‌ترین نشانه در رابطه با بازارها، کوتاه‌بینی آنها بوده است. خطرات معمولاً آنقدر نادیده گرفته می‌شوند که دیگر کار از کار می‌گذرد. در بازارهای امروز اما جو حاکم، همانند یک دهه اخیر، کوتاه‌بینی نیست، بلکه دلهره است، دلهره‌ای که روزبه‌روز فزونی می‌گیرد...

مدت حبس، بلافاصله در آزمون ورودی معتبرترین دانشگاه این کشور پذیرفته شد و اکنون پس از گذشته ده سال از آزادی خود و اخذ مدرک دکتری، به عنوان استاد و مدرس دانشگاه مشغول به کار است. او بر بسیاری از دوستان متخلف خود اثرات مثبت گذاشت و فرزندان او نیز تحت تأثیر این اقدام پدر، تغییر مسیر داده و در دانشگاه‌های معتبر پذیرفته شدند. در واقع با این عمل خود، الهام‌بخش افراد زیادی در گرایش به مطالعه و تغییر مسیر زندگی خود شده است. و به راستی که فرهنگ همیشه وحشتناک‌ترین چیز برای ناعادلان است. زیرا مردمی که کتاب بخوانند هرگز برده نخواهند شد. همت بلند دار که مردان روزگار از همت بلند به جایی رسیده‌اند

قسمت نخست این مقاله، در شماره ۳ ماهنامه منتشر شده است. در این شماره قسمت دوم و پایانی مقاله از نظر گرامی تان می‌گذرد.

ویژگی‌های فقه سیاسی شیعه

نویسنده: علیرضا صدرا

شیعه از اساس در خصوص صورت معضله، معتقد است نه تنها رسول گرامی اسلام، نرسیده و نتوانسته است تمامی اجزا و فروع مکتب را باز کرده به ویژه آن‌ها را پیاده و اجرا کند بلکه نمی‌توانسته است، چرا که به علت محدودیت زمانی، پیامبر (ص) در مدت عمر کوتاه یازده ساله از هجرت تا رحلت، ولی پر برکت خویش، دولتی اسلامی و جامعه سیاسی و امتی: الف) کوچک و نوعاً محدود (ب) با سازمان و دیوان سالاری بسیط و اولیه (نه پیچ در پیچ) ایجاد کرده، لکن اولاً؛

مکتب خود به تنهایی نارسا بوده و جهت ترویج و به ویژه پیاده شدن نیاز به مدیر و مجری داشته و دارد، و خود مقام رسالت، در زمان خویش در عین حال مسوول و متولی اجرا و اعمال مکتب و ساختن و معماری و مهندسی جامعه سیاسی اسلامی و امت، دولت، نظام، حکومت، حاکمیت و سیاست اسلامی بر اساس مکتب اسلام را دارا بوده که از آن تعبیر به شأن امامت رسول شده و می‌شود.

ثانیاً، بعد از پیامبر (ص) نیز همچنان جهت تداوم رواج، ترویج و تحقق نیازمند، الف) عالم و مفسر و معلم، ب) عامل و مدیر و مدبر و قوه اجرایی و مجری است، و مکتب بدون عالم به دین و عامل به آن بر اساس آن یا همان «امام» و «امامت» ناتمام و نارساست.

بر اساس نظریه پیش‌بینی و پیش‌گویی خود رسول اسلام (ص) به ویژه به اعتقاد شیعه، دوازده رهبر طی دوازده نسل، می‌بایستی با ایفای نقش و رسالت امامت و با ولایت علم الهی و خلافت اسلامی خویش و با عصمت خود به نیابت از پیامبر (ص) و به تعبیر فرایبی (۱۱) به عنوان روسای دوم پس از رئیس اول و به تعبیر خواجه نصیر (۱۲) «ملک سنت» یا «حاکم سنت» عهده‌دار تداوم تعمق، توسعه، تحکیم و تعالی فرهنگ سیاسی امت و جامعه سیاسی اسلام، دولت، نظام سیاسی، حاکمیت، حکومت و سیاست اسلامی باشند.

چرا که مکتب و نظامی که قرار است به عنوان کامل‌ترین، فراگیرترین، مفیدترین، کارآمدترین و عملی‌ترین نظام سیاسی، نه فقط برای جامعه مدنی و حتی امت اسلامی، بلکه برای متناسب حال و برای جامعه بشری آن هم برای همواره تاریخ پیش رو و تا برترین مراحل کمال و تکامل و توسعه و تعالی فردی و اجتماعی انسان و جوامع انسانی به کار آید، و نه تنها به عنوان نمونه عملی و عینی و اسوه حسنه برای عالم و عالمیان و به ویژه در بینش شیعی هسته و بنیاد حکومت واحد جهانی یقیناً می‌طلبد که طی سیزده نسل یعنی قریب به چندین قرن متوالی، این چنین مکتبی تشریح و تبیین شده و این چنین نظام، دولت و جامعه سیاسی ایجاد و بنا گردد.

لکن به سبب همان ضایعه سقیفه که به تعبیر

تنوعند، این امر باعث شکاف نبوده و نخواهد بود، چرا که اصول و مبانی اولیه تمامی احکام از نظر شیعه، هرچند به طور اجمالی ولی به صورت کامل، توسط پیامبر (ص) ارائه گردیده‌اند.

کثرت و فراوانی حتی تنوع مصادیق و موارد و نمونه‌های عینی، لزوماً نیاز به کثرت معانی و مفاهیم و اصول و کلیات مربوطه نیست؛ (۱۴) بر فرض این اصل که «انسان موجودی است اجتماعی» یا این که انسان دارای سیستم گردش خون است یا انسان تعالی طلب است اگر چه محدود و متناهی و حتی هر کدام یک اصل و حکم علمی و مبنایی هستند، ولکن با کثرت انسان‌ها و حتی ترقی و پیشرفت آنها هر چند مصادیق آنها سر به میلیارها برزند، اولاً، زیاد نشده و نیازی هم به کثرت نیست؛ ثانیاً، بر تمامی مصادیق گذشته، حال و آینده، کم یا زیاد، به هر حال صدق می‌کنند؛ پس به طور کلی شیعه در نظریه عمومی و به ویژه فقهی سیاسی خویش در واقع معتقد به «اجمال نص» است.

۴. اجتهاد: اگر به جای نظریه نقص نص اهل سنت، نظریه اجمال نص شیعی وجود داشته، بدین معنا که منابع اسلامی در بردارنده کلیات اصول و مبانی معارف و احکام مورد نیاز بشر و جامعه و سیاست بشری هستند، در آن صورت همان گونه نقص نص اهل سنت نیاز به مکمل دارد، اجمال نص نیز نیازمند است به:

۱. تفسیر نص؛ ۲. تفصیل نص؛ ۳. تطبیق نص. چون نصوص مشتمل بر کلیات اصول و مبانی بوده، از این رو به همان نسبت نیاز به تفسیر و تبیین و به اصطلاح «حکمت احکام» دارند. همچنین چون کلی و اجمالی هستند، نیاز به باز کردن فروع و جزئیات تفصیلی و مشروح احکام و معارف و مفاهیم است؛ علاوه بر این، این گونه معارف نیازمند به تطبیق و تطابق با موارد عینی و به اصطلاح مصادیق و ما به ازاءهای خارجی آنها داشته و دارد.

از نظر شیعه، اولاً، تفسیر و تبیین حکمت احکام و حتی تأویل به معنایی که خود مورد نظر دارند، ویژه پیامبر (ص) و امام معصوم (ع) است؛ ثانیاً، تفصیل طرح و ارائه تفصیل نصوص و معارف و احکام دین نیز در قلمرو توانایی و شایستگی معصوم (ع) است؛

ثالثاً، تطبیق نص تنها در محدوده ظرفیت و اختیار غیر معصوم (ع) قرار دارد و بدین ترتیب، هر چند فقه و حتی اجتهاد به معنای علم و فهم دین و شریعت در هر سه مورد فوق نیز به کار می‌رود، لکن آن به معنای مطلق کلمه است، لکن اساساً فقه و به ویژه اجتهاد بر خلاف اهل سنت که جایگزین نقص و کمبود نص و به نوعی در ردیف وحی قرار داشته، ولی در تعبیر و تعریف متفکران شیعه همان استنباط فروع عملی و تطبیق اصول با مصادیق عینی آنهاست.

امام صادق (ع) بنیان‌گذار مکتب فقه جعفری در این خصوص می‌فرماید: «علینا إن نلقى الیکم الاصول علیکم إن تفرعوا؛ ما اصول را می‌گوییم و شما فروع آنها را بگیرید و بگویید» (۱۵) و در تعریف اجتهاد می‌گوید: «هو الاستنباط الاحکام الفرعیه الشرعیه عن اِدلتها التفصیله»؛

البته همان‌گونه که اشاره شد، شیعه به سبب همان تعبیر انحرافی اهل سنت از اجتهاد، اساساً آن را

شُرک و بد تلقی می‌کرد و تا قرن ششم و حتی هفتم هجری، عنوان فقیه را به جای آن استفاده می‌کرد و از کار برد اجتهاد و مجتهد پرهیز می‌شد و آن را مرادف بدعت می‌دانست؛ به ویژه می‌گفتند، اجتهاد در مواردی که نص به اصطلاح قطعی الدلاله وجود دارد به نحوی که شکی در آن نیست باطل بوده و سبب از میان رفتن و تحریف دین و شریعت می‌شود؛ از این رو فقه شیعه، الف) هم به لحاظ عنایت و هدایت ویژه ائمه (علیهم السلام) و غنای ناشی از انباشت معارف دوازده نسل پی در پی آن، هم علم ولایی و الهی لدنی، ب) منطق محکم و نظام مند، ج) اصول و مبانی عمیق و بنیادین، د) صبغه و سیاق اعتدالی، مانع از گرایش‌های جدی افراط و تفریطی‌های ساده نگرانه و سهل انگارانه عامیانه بود و سبب حفظ وحدت و یکپارچگی کلی و اصولی این جریان و مکتب فکری و فقهی سیاسی گردیده است، هر چند نیاز به تجارب تطبیقی و اجرایی عملی داشته و دارد.

اخباری‌گری و اختلاف آن با اصول‌گری در حوزه شیعه، یکی از جریان‌های داخلی حوزه فقهی شیعه بوده که به دست ملا محمد امین استرآبادی به اوج خود رسید. پیدایش این نهضت فکری، که به تعبیری تحت تأثیر حرکت حس‌گرایی رایج و غالب در غرب به وجود آمده بود و به تعبیر دیگر، تحت تأثیر حرکت قشری‌گرایی حنبلی‌گری و اهل حدیث و نیز حرکت عقل‌ستیزانه اشعری‌گرایی رایج و غالب در جهان اهل سنت به وجود آمده بود، در هر صورت، پیدایی و گسترش سریع آن در برهه‌های تاریخی و در حوزه نفوذ شیعی جای تأمل و تحلیل زیاد داشته و در فرآیند اصلاح‌گری بایسته تأمل و توجه است.

این نهضت ناپیستی از حرکت‌های نوزایی و نواندیشی بازخیزی بی‌تأثیر باشد؛ لکن در هر صورت، وحید بهبهانی پرچمدار مبارزه با اخباری‌گری شد و باعث پیروزی اصولیان و نگرش اجتهادی گردید، آن گاه شاگردان و پیروان وی به ویژه خاتم الفقها و المجتهدین، شیخ مرتضی انصاری (ره) تفوق و پیروزی را با ارائه نظریات خویش و تدوین و ارائه رسائل و مکاسب خویش به اوج رسانید و تثبیت کرد و از این مرحله است که شاگردان بلافضل شیخ یعنی از میرزای شیرازی اول و دوم، درگیر سیاست و جهاد و اصلاح‌گری عملی شده و حرکت اصولی و اجتهادی با حرکت اصلاح‌گری و سیاست و نهضت بازخیزی - بازگشت قریب و عجین شده، و آیه الله نائینی در همین راستا کتاب تنبیه الامه و تنزیه المله را برای ایجاد حکومت قدر مقدور مشروطه می‌نویسد، و یکی پس از دیگری تا حضرت امام خمینی (ره) که با رهبری انقلاب اسلامی و پیروزی آن و تشکیل نظام جمهوری اسلامی ایران، موفق به تشکیل نخستین نظام سیاسی شیعی در عصر غیبت یعنی نظام ولایت فقیه شده که در عین حال مبین نظریه فقهی سیاسی وی می‌باشد.

منابع فقهی شیعه شیعه هر چند قائل به منابع چهارگانه قرآن، سنت، اجماع و عقل به عنوان منابع اصلی مکتب و همان نقشه‌هادی و طرح جامع بود و است و شباهت‌های ظاهری و اسمی بین شیعه و اهل سنت در این نظر وجود دارد، لکن باز در عین حال، دارای تفاوت ماهوی است، از این رو اولاً، استفاده و بهره‌برداری از منابع چهارگانه فوق با همان نگرش

عمیق و حقیقی واقعی و واقعی حقیقی نگر و نظریه اجتهادی و تفقه تا حد علم الهی ائمه اطهار (علیهم‌السلام)؛ ثانیاً، مراد از «سنت»، شامل سنت قولی (بیانات) و امر و نهی و احکام، سنت تقریری و تأیید یا تکذیب با سکوت و سایر علایم، نه با بیان و سنت عملی (اقدامات) معصوم (ع) اعم از پیامبر (ص) و ائمه بود. مراد از «اجماع» نه آرای جمع مسلمانان و امت اسلامی و یا نه جمع آرای مسلمانان و امت اسلامی بلکه آرای که یا کاشف از رأی معصوم (ع) بوده و یا وجود حضور معصوم (ع) در آن جمع مسجل باشد.

مراد از «عقل»، الف) عقل برهانی است و نه صرفاً عقل جدلی، ب) اعم از: ۱- مستقلات عقلی شامل اصول اولیه نظری و به ویژه اصول اولیه عملی و نیز اصول اولیه بینشی که ذاتی و مفظور هر انسانی هستند، مثل خوب بودن عدل و یا امانت، بد بودن ظلم و یا خیانت و امثال اینها؛ ۲- استلزامات عقلی که عقل به عنوان وسیله استنباط و اجتهاد است.

پی‌نوشت‌ها

۱. استادیار علوم سیاسی دانشگاه تهران.
۲. «شیعه» و «اهل سنت» دو جریان عمده و اصلی سیاسی و فکری سیاسی و از جمله فقهی سیاسی در تاریخ و جهان اسلام بوده و هستند. ساده‌انگاری و قشری‌گری «خوارج» بیش از آن بود که بتواند و حتی بخواند فقه سیاسی مستقل، بنیادین و جامعی را بنا کنند و افراط‌گرایی‌ها و برخورد‌های خشونت‌آمیز آنها نیز حتی با تشکیل حکومت‌های متعدد و متنوع هر چند کوچک در اقصا نقاط، مانع از استقرار و ثبات عملی و علمی آنها بود. به علاوه، آثار در خوری از آنها به دست نیامده و غالباً توسط مخالفان خود معرفی شده‌اند، هر چند بعدها، هر گونه ناراضیاتی و قیام علیه حکومت‌های موجود را نیز خارجی و خوارج می‌نامیدند. «ر.ک: خواجه نظام الملک طوسی، سیاست‌نامه». لکن اینها غیر از خوارج اولیه و صدر اسلامند. «زیدیه» و به ویژه «اسماعیلیه» هر چند از گروه‌های نزدیک و منسوب به شیعه محسوب می‌شده و می‌شوند و در عین حال از عمق نگرش بیشتری برخوردار بوده‌اند، اما از دیدگاه فقهی بیشتر از فقه حنفی بوده‌اند تا فقه شیعی و حداقل آن که بیشتر متأثر از آن بوده‌اند و در هر صورت دستگاه و نظام فقهی و فقهی سیاسی مستقل و منسجمی را بنا نکرده بلکه حداکثر در مواردی التقاطی بوده‌اند.

۳. ملاصدرای شیرازی علم سیاست را جزو علوم الهی می‌داند. وی در تفسیر سوره سجده می‌گوید که علوم الهی سه علم هستند: ۱) علم نبوت و رسالت؛ ۲) علم امامت؛ ۳) علم سیاست.
۴. عنوان باطنی شیعه و این‌که قرآن هفتاد بطن دارد و نیز تعلیمیه اسماعیلیه مبین همین معناست.
۵. هرچند در مورد ترویج این نظریه توسط شیخین و به ویژه بعدها توسط مرجئه که از نظریه پردازان اولیه اهل سنت محسوب می‌شوند، اغراض سیاسی مزید بر ساده‌انگاری بوده است، آن هم برای خلع سلاح کردن شیعه و جایگزینی مولای متقیان علی (ع).

۶. از برخورد عمیق انگارانه شیعه غالباً توسط خاورشناسان نه به طور دقیق و صحیحی تعبیر به آرمان‌گرایی، مکتب‌گرایی و حقیقت‌گرایی به معنای پندار گران، خیال گران و ایده آلیسم شده، کما این که از صورت و ساده انگاری اهل سنت تعبیر به واقعیت‌گرایی شده است.



۵- به نظر شما می‌توان گفت که اسلام حول سه محور گفتار نیک و پندار نیک و کردار نیک گردش دارد؟

پاسخ معظم له: قطعاً در اسلام بر گفتار نیک و کردار نیک و پندار نیک تأکید شده است، اما آنچه در اسلام در درجه اول اهمیت قرار دارد، سعی در رشد و کمال نفسانی در سایه عبودیت پروردگار است. چنانچه قرآن می‌فرماید «وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» ما جن و انس را برای عبودیت و بندگی خالق آفریدیم. پس توجه به این سه موضوع، در کنار عبودیت پروردگار صحیح است و باید این عبودیت با تمسک به سیره پیامبر و اهل بیت (ع) انجام گیرد. لذا کسانی که قصد دارند صرفاً به گفتار نیک و کردار نیک و پندار نیک توجه کرده و از عبودیت خالق دور شوند، در گمراهی و انحراف هستند.

۶- همان‌طور که ملاحظه می‌کنید بحث تقلید یکی از مباحثی است که در مکتب تشیع مطرح است. به نظرتان اگر کتاب خدا، محور همدلی مسلمانان قرار بگیرد، بحث تقلید چه جایگاهی در دین پیدا می‌کند؟

پاسخ معظم له: تقلید یعنی رجوع فرد جاهل به عالم و تبعیت از او در دستوراتی که داده می‌شود و این امر عقلایی است. لذا تقلید مقدمه انتخاب راه صحیح دین و تبعیت از دستورات دینی با مراجعه به اهل بیت (ع) و علمای دین است و بدون آن تمسک به قرآن هم ناقص خواهد بود. چرا که در قرآن به سوال از اهل ذکر تأکید دارد که تقلید نیز در حقیقت در راستای همان معناست. با تشکر از اینکه وقت شریف‌تان را در اختیار ما گذاشتید.

هوا و هوس‌های نفسانی باعث برخی توجیحات ضعیف و عدم توجه به اهل بیت علیهم السلام توسط برخی علمای مذاهب اسلامی شده و موجب ایجاد افتراق و تفرقه شده است.

۳- به نظر شما گروه‌های تکفیری و تروریستی از کدام آیات قرآن برای تظہیر جنایات خود استفاده می‌کنند؟

پاسخ معظم له: آیات ابتدایی سوره توبه در مورد جهاد و برخی آیات دیگر در زمینه جهاد و نحوه رفتار و اسرار کفار همراه با تفسیر به رای همچنین تمسک به برخی روایات از رسول خدا (ص) در کنار عدم دقت به مضامین آن و عدم رجوع به سیره اهل بیت و حجیت بخشیدن به برخی رفتارهای خلفا و امرای صدر اسلام موجب برداشت‌های ناصحیح و مستمسک قراردادن جنایات گروه‌های تکفیری شده است.

۴- به نظر شما وقتی قرآن به صراحت اعلام می‌کند که همه مرا می‌فهمند، پس این چه ایرادی است که باعث شده از قرآن و اسلام آن قدر تفاسیر ناصحیح خارج شود؟

پاسخ معظم له: فهم قرآن در کنار تبیین معارف آن توسط پیامبر اکرم و اهل بیت (ص) میسر است. چنانچه قرآن تصریح دارد و می‌فرماید «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ» یعنی ما قرآن را بر تو (پیامبر) فرستادیم تا آن را برای مردم تبیین کنی. لکن برخی افراد با تمسک به قرآن بدون اجازه نشر احادیث پیامبر و اهل بیت به بهانه کافی بودن قرآن موجب ایجاد تفاسیر ناصحیح در برداشت‌های خلاف و تفرقه در جامعه شدند.

پاسخ معظم له: اجرای دستور اسلامی در جامعه مقدم بر هر ارتباطی است، مگر در موارد اضطرار شرعی که به تشخیص حاکم شرع به مقدار رفع اضطرار، حکم جواز داده می‌شود و هر فردی در جامعه اسلامی موظف به اجرای دستورات دینی است و در قرآن دستور می‌دهد که کلمه اله که همان دین الهی است بر همه چیز برتری دارد و آیه شریفه: «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ» نیز به معنای آزادی مردم در اجرا کردن یا نکردن دستورات دینی حتی در جامعه نیست، بلکه در مقام بیان محکم بودن دستورات دینی است. به گونه‌ای که تفهیم این دین نیاز به اکراه ندارد، بلکه با معیار منطق می‌توان دین را به همگان عرضه نمود. لذا در ادامه می‌فرماید: «قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» یعنی راه هدایت در اسلام با منطق قوی واضح و مبرهن است و توضیح این مجمل مقامی دیگر را می‌طلبد. همچنین این آیه طبق نظر برخی علما در مورد اعتقادات است، نه احکام و دستورات دینی. یعنی کسی را با زور نمی‌توان معتقد به دین اسلام نمود. لکن قوانین اجتماعی اسلام طبق روایات دیگر در جامعه اسلامی، بر همگان لازم‌الاجراست، حتی اقلیت‌های مذهبی دیگر و لذا رعایت حجاب در جامعه بر همگان واجب است.

۲- به نظر شما کدام قسمت‌ها از دین و کدام آیات قرآن هستند که تفاسیر متفاوت و ناصحیح از آنان سبب افتراق مسلمانان شده است؟

پاسخ معظم له: آیات ولایت که با دسیسه برخی جاعلین روایات تفسیر شده است. در مسائل اعتقادی موجب افتراق شده است و وجود

ادامه از صفحه ۴: مزایا و معایب دو دیدگاه نسبت به حقوق بشر

ارگان‌های حکومتی ایران، بعد از انقلاب چه استانداردهایی از اعلامیه جهانی حقوق بشر را توانسته‌اند به منصفه اجرا بگذارند؟

اگر استانداردهای حقوق بشر را بر اساس اعلامیه جهانی حقوق بشر تعریف کنیم که عبارتند از: آزادی بیان، برابری انسان‌ها و منع تبعیض، آزادی مذهب، آزادی تجمعات، دادرسی عادلانه، امنیت اعم از امنیت جسمانی و امنیت اقتصادی، منع شکنجه و تحقیر، تساوی در برابر قانون، منع توقیف خودسرانه، اصل برائت، برگزاری علنی محاکمات، احترام به حریم خصوصی افراد، حقوق زنان و مشارکت آنها در اقتصاد و اجتماع، رعایت حقوق کودکان، مشارکت مردم در اداره عمومی کشور، حق کار و برخورداری از حداقل حقوق برای گذران زندگی و منع تبعیض در دستمزدها، حق تشکیل اتحادیه‌های کارگری، حق استراحت و تفریح، برخورداری از مراقبت‌های پزشکی و تأمین اجتماعی مناسب و حق بهره‌مندی از آموزش و پرورش و همچنین آموزش‌های مدنی ... می‌توان گفت که در بیشتر زمینه‌ها بعد از انقلاب ۵۷ ایران یک سیر نزولی را تجربه کرده‌ایم.

آیا تناقض مبنایی در تفسیر حقوق بشر از دیدگاه اسلامی از دیدگاه اعلامیه جهانی حقوق بشر وجود دارد؟ یا خیر؟ چنانچه تناقضی وجود دارد کدام رکن این تناقض نمایان می‌باشد؟

به می‌توان گفت تفاوت مبنایی آشکاری بین

که اساساً این اصطلاح یک اصطلاح مذهبی هستند. همچنین ماده اول اعلامیه حقوق بشر اسلامی می‌گوید؛ بشر به طور کلی، یک خانواده می‌باشند که بندگی نسبت به خداوند و فرزندگی نسبت به آدم آنها را گرد آورده؛ لذا همانطور که می‌بینید بندگی خدا ملاک برخورداری از حقوق مصرح در این اعلامیه قرار گرفته که اساساً این مساله می‌تواند دستاویز حکومت‌ها قرار گیرد کما این‌که قرار گرفته و به بهانه مخالفت با خدا و دین و فطرت، به راحتی نظرات مخالف را به اسم کفر و مخالفت با نظر خدا ساکت می‌کنند.

همانطور که می‌دانید وجود افراط در قرائت از اسلام سبب تشکیل گروه‌های تندرو و تروریستی در سطح منطقه و جهان شده است و هر یک از آنان در توجیه جنایات خود به آیات قرآن به صورت گزینشی اشاره می‌کنند و از طرفی کشورهای استعمارگر نیز در توجیه جنایات استعماری خود به اعلامیه جهانی حقوق بشر اشاره می‌کنند. به نظرتان چه راهکار و تفسیری می‌توان ارائه داد تا سواستفاده و تفاسیر گزینشی به نفع افراد و گروه‌ها و دولت‌های سواستفاده‌گرو متجاوزین رفع شود؟

لذا این اعلامیه نیازهای انسان را بر اساس بنده ی خدا بودن و مشخصاً مسلمان بودن شناسایی می‌کند و بر همین اساس این نیازها را بر اساس اصول اسلامی مقید می‌کند و به برخی نیازهای انسان اجازه بروز و ظهور نمی‌دهد برای مثال ماده ۱۰ اعلامیه اسلامی حقوق بشر اعتقادی به حق آزادانه انتخاب مذهب ندارد و تغییر دین از اسلام به سایر ادیان را جایز نمی‌داند یا در جای دیگری می‌گوید؛ هر انسانی از لحاظ الزام و التزام، از یک شخصیت شرعی برخوردار است؛

کسانی که از کشورهای اروپایی به گروه داعش پیوستند از فقر، بی‌کاری و تبیض رنج می‌بردند و بسیاری پیشتر مرتکب جرائم دیگر شده بودند و پرونده کیفری داشتند. شهروندانی که حقوق اجتماعی، اقتصادی و سیاسی‌شان توسط دولت کشورشان تأمین می‌شود کمتر جذب گروه‌های تند رو می‌شوند. در کشورهایی که حقوق مردم رعایت می‌شود فاصله بین حکومت و مردم کمتر است و زمینه دخالت قدرت‌های خارجی نیز محدودتر می‌شود.

به نظرتان آیا کشورهای اسلامی توانسته‌اند قدم‌های مثبت و قابل توجهی در زمینه حقوق بشر بردارند؟ به نظرتان موانع راه در کجاست؟

اگر به کشورهای مسلمان منطقه ما بنگریم، شاید بتوان گفت که بیشترین قدم‌های مثبت و قابل توجه در افغانستان و توسط دولت مرکزی برداشته شده‌اند. جامعه مدنی افغانستان در چند سال گذشته رشد چشمگیری داشته است و شاخص‌های دیگر حقوق بشری مثل آزادی بیان، آزادی تجمع، مشارکت زنان، حق حیات رشد مثبت داشته‌اند. البته این رشد متوجه مناطقی که تحت کنترل طالبان هستند نبوده است و طالبان سعی می‌کنند با وحشت پراکنی در سرتاسر کشور از این رشد جلوگیری کنند. سایر کشورهای اسلامی منطقه به استثنای اردن رشد چشمگیری در زمینه حقوق بشری نداشته‌اند.

بزرگ‌ترین مانع اکثریت مسلمان این کشورها نیست، بلکه پاسخگو نبودن حکومت‌ها، فساد اقتصادی و سیاسی و عدم مشارکت واقعی همه شهروندان بدون توجه به جنسیت، قومیت و مذهب در تعیین سرنوشت خود است.

به نظرتان در کشورهای منطقه کدام تفسیر از حقوق بشر راهگشا است؟ حقوق بشر با تفسیر اسلامی یا بر مبنای اعلامیه جهانی حقوق بشر؟ لطفاً به اختصار توضیح دهید؟

نقض حقوق بشر به بهانه مخالفت نظرات مخالفان با احکام خدا و ابزار شدن دین بعنوان یک وسیله در دست حکام برای حذف مخالفان و همچنین القای ترس در جامعه ضرورت پیروی از حقوق بشر با مبنای اعلامیه جهانی حقوق بشر را بیش از پیش توجیه می‌کند. عملکرد حاکمان بسیاری از کشورهای اسلامی که وضعیت حقوق بشر در آنها بغرنج است به خوبی گواه این مساله است که حقوق بشر با پایه دینی مبنای خوبی برای حمایت از حقوق بنیادین و بدون قید و شرط همه انسان‌ها چون آزادی بیان و اندیشه و تجمعات و غیره ندارد و باید از تفسیر حقوق بشر غربی و شرقی و غیره فاصله گرفت و حقوق بشر مبتنی بر اعلامیه حقوق بشر بعنوان یک اعلامیه شکل گرفته بر پایه انسان بودن و نیازهای انسان بودن را سرلوحه کار قرار داد.



مدیر مسئول و صاحب امتیاز: مهندس مهدی کیان
 سردبیر: مهندس مهدی کیان
 صفحه آرایی: میم گرافیک
 چاپخانه: ایران چاپ
 شماره مجوز: ۸۳۵۸۳
 وبسایت نشریه: www.panahemardom.ir
 نشانی دفتر نشریه: تهران، تهرانپارس، وفادار شرقی،
 بین ۱۳۳ و ۱۳۵ شرقی، کوچه ۲۲۲ شرقی، پلاک ۳۱۱
 شماره‌های تماس: ۰۹۱۹۳۵۴۶۲۴۸ - ۰۲۱-۷۷۱۲۸۳۶۳
 فکس: ۰۲۱-۷۷۱۲۸۳۶۳

نشریه پناه مردم را در شبکه‌های اجتماعی با ID زیر دنبال کنید:

@panahemardom

صمیمانه منتظر دریافت نظرات، پیشنهادات و انتقادات سازنده شما عزیزان هستیم.

خرید نسخه دیجیتال از وبسایت www.jaavar.com

باید یاد بگیریم محبتان را صرف کسی کنیم
 که آن را بر من فهد و من خواهد
 چقدر خوب یاد بگیریم بدون منت به دیگران کمک کنیم
 باید یاد بگیریم و باور کنیم که دانسته‌هاک ما به اندازه قطره
 و ندانسته‌هایمان به اندازه آبیانوس بر انسانیت
 یاد بگیریم که در زندگی مثبت اندیشی داشته باشیم
 زیرا
 مثبت اندیشی من تواند تبییم بخش باشد
 یادمان باشد تا وقتی خدا هست هیچکس تنها نیست

اخبار اجتماعی

اخبار مردم

ادامه از صفحه ۶: ویژگی‌های فقه شیعه

۷. محمد بن ابراهیم شیرازی (ملاصدرا)، شواهد الربوبیه، مبحث رابطه دین و سیاست.
۸. حدیث ثقلین: «انی تارک فیکم الثقلین، کتاب الله و عترتی».
۹. فارابی معتقد است انسان و جوامع انسانی، هم از هدایت فطرت و عقل و عوامل درونی به عنوان پیامبر و وحی درونی برخوردارند و هم از عوامل برونی طبیعی و ماورای طبیعی به ویژه عقل فعال که مراقب و مدیر امر انسان می‌باشد «بوضوح محمد فارابی، سیاست مدینه، بخش نخست».
۱۰. این عدم همخوانی بین شیعه و غالب دولت‌های حاکم خود از بنیادهای تفکر کلامی و فلسفی فقهی سیاسی شیعه به ویژه مباحث ولایت، علم و عدالت‌نگری و گرای شیعه و فقه سیاسی شیعه ناشی می‌شد.
۱۱. ر.ک: ابونصر محمد فارابی، سیاست مدینه؛ همو، آراء اهل مدینه، مبحث ریاست اول و دوم؛ محمد بن ابراهیم شیرازی (ملاصدرا)، مبدأ و معاد، بخش نبوت و ریاست.
۱۲. ر.ک: خواجه نصیرالدین طوسی، اخلاق ناصری، مقالات سوم، سیاست.
۱۳. میرزا محمد حسین نائینی، تنبیه الامه و تنزیه المله؛ امام روح‌الله خمینی، وصیت‌نامه سیاسی - الهی.
۱۴. اصول علم یعنی کلیات اصول و مبانی یک حوزه وجودی و معرفتی و لذا اصول و به ویژه اولیات یا معارف پایه و قوانین اصلی هر علمی محدود هستند، هر چند مصادیق آنها که این اصول مبانی و قوانین قاعداً آنها را بر تعداد و میزان تفسیر می‌کنند، مثل معلومات محدود علمی شیمی و موضوعات بی‌نهایت آن و همین طور فیزیک و سایر علوم و موضوعات مربوطه.
۱۵. ر.ک: فقه الامام جعفر الصادق، (ع) ج ۶، ص ۳۷۱.

چاپ کتاب، مقاله و ژورنال
 در ایران و خارج از ایران
www.agpub.ac

پذیرش دعوی حقوقی و کیفری
 مسیح عدالت، حامی عدالت
www.masihedalat.org

روانشناسی لایونا
 لایونا، طلوع عشق و امید
www.laviina.com

میم گرافیک
 خدمات حرفه‌ای طراحی و چاپ
www.mimgraphic.com

شناختن حق حیوان برای زیست و دغدغه تمام کسانی که آنجا تجمع کرده بودند همین موضوع است و دوستان ما به عقیم کردن ناصحیح سگ‌ها و عفونت ناشی از این اقدام و «بخصوص کشتار سگ‌ها» معترض بودند و از مسئولین شهرداری می‌خواستند که در تصمیمات خود در برای حیوانات نظر آنان را جویا شوند و دیگر اینکه هیأتی از ما به عنوان ناظر در جریان امور باشد و هر اقدامی از قبیل استخدام دامپزشک و یا عقیم نمون سگ‌ها و یا قتل حیوانات بیمار زیر نظر هیاتی از ما که اکثر از نیروهای متخصص و کارکشته هستند بکارگیری شود که متأسفانه مسئولین شهرداری به این امر توجه نکردند و در هر بار پیگیری به ما بی‌توجهی نشان دادند که خوب این موضوع دوستان من را عصبانی نمود.

۹. لطفاً بیشتر در خصوص ایده‌ها و آرمان‌های این گروه توضیح بفرمایید و اینکه این گروه برای آینده چه چشم‌اندازی را دارند و تاکنون به چه موفقیت‌هایی دسترسی پیدا کرده‌اند؟ تمام آرمان ما حقوق حیوانات بی‌زبان است و هیچ چیز را برای خود نمی‌خواهیم و ما خواستار سلامت و بهداشت و زندگی به دور از پاپمال شدن حقوق حیوانات هستیم.

لطفاً در خصوص کارهایی که این گروه در گذشته انجام داده‌اند و در واقع در خصوص کارنامه خود شما به عنوان لیدر این گروه توضیحاتی بفرمایید و آیا اینکه در خصوص ثبت رسمی این گروه و نام رسمی آن چه اقداماتی انجام داده‌اید؟ گروه حامیان حیوانات تاکنون ثبت رسمی نیستند و در واقع سمن مخصوصی و رسمی و ثبت شده‌ای ندارند. اما خود بنده موسسه ثبت شده دارم و تاکنون ۳۷۰۰ فعالیت امدادی داشته‌ام که مستند است ولی متأسفانه فعالیت‌های ما دیده نشده است. و اما در خصوص کارنامه این گروه باید بگویم که ما تعداد زیادی پناهگاه‌های قانونی و غیرقانونی برای حیوانات از جمله سگ‌ها انجام داده‌ایم و حتی برای اغیم نمودن آنان اقدامات قابل توجهی کرده‌ایم.

ازای دریافت رشوه بیگانه‌ها را سه سال در زندان می‌اندازند و پس از اینکه مردم دل به تغییر ریاست قوه می‌بندند، درخواست اعاده دادرسی مدعی براحتی بایگانی می‌شود و وقتی علت را جویا می‌شوند، در پاسخ می‌گویند که باید یک نماینده مجلس یا یک فرد حقوقی تقاضای اعاده دادرسی کنند تا دبیرخانه قوه قضائیه وارد دعوی شود.

۲. مردم گله‌مند بودند از اینکه در تخریب اماکن مسکونی غیر مجازی که توسط افراد کم بضاعت در محله‌های مختلف احداث می‌شود نیروی انتظامی با هماهنگی با مامورین یگان امداد به طور کاملاً غیرقانونی و بدون هیچ‌گونه دستور قضایی در تخریب منازل شرکت نموده و اقدام به ضرب و شتم و بازداشت غیرقانونی افراد و متصرفین به صورت سفارشی می‌کنند و موارد زیادی عنوان شد که به ۱۹۷ گزارش شده توسط مردم و حتی برخورد نیز با متخلفین صورت گرفته ولی خوب رویه‌ای است که به طور متناوب در نیروی انتظامی در حال جریان است و هر روزه شاکیان زیادی دارد که این موضوع را از عوامل دلسردی مردم نسبت به کل نظام می‌توان نام برد.

۸. اخیراً مطلع شدیم که تعدادی از حامیان حیوانات در جلوی شهرداری تهران تجمع کرده بودند این تجمع باعث درگیری بین مامورین شهرداری و دخالت مامورین انتظامی و بازداشت تعدادی از این حامیان گردیده است و لذا برای یافتن جزئیات این واقعه به سراغ آقای امید ظهیری یکی از این فعالان رفتیم و وی در توضیح سوالات ما از عان داشت که:

در خصوص درگیری حامیان حیوانات با شهرداری لطفاً توضیحاتی ارائه دهید؟ در خصوص درگیری باید بگویم که متأسفانه عده‌ای سعی دارند موضوع را سیاسی کنند و این درست نیست و ما به دنبال مطامع سیاسی نیستیم و هدفمان یک چیز است و آن هم به رسمیت

می‌کنند که می‌بایستی مسئولین امر از چنین اقدامات ضد فرهنگی مراقبت و رصد نمایند.

۴. تشکر مردم منطقه ۱۶ از شهردار ناحیه ۶ و پرسنل شهریان و سد معبر
 اخیراً مردم منطقه ۱۶ طی متشکر بودند از زحمات شهردار ناحیه ۶ منطقه ۱۶ جناب آقای مهندس حسینی و پرسنل شهریان و سد معبر زیر مجموعه ایشان تشکر نمودند. مردم در طی تماس خود با دفتر نشریه عنوان می‌نمودند که مدت مدیدی بوده که حضور معتادین و ولگردها در میدان شوش حتی فرصت عبور و مرور را از مردم گرفته بودند که با تدبیر شهردار ناحیه و عوامل زیر مجموعه در مدت کوتاهی تا حدودی این مشکل رفع شده و آنها در ساعات کوتاه پایانی شب تجمع می‌کنند و از طرفی نیز عنوان شد که تعداد زیادی میوه‌فروشان وانت‌دار در خیابان فدائیان اسلام تجمع نموده و راه را در مسیر به طور کامل مسدود می‌نمودند که برخی شهروندان می‌گفتند که حتی این تجمع باعث شده بیمارشان در آمبولانس فوت کند و حتی خودروهای امدادی نیز در این ترافیک سنگین برای خدمات‌رسانی می‌ماندند که با تدبیر شهردار ناحیه و عوامل زیر مجموعه این موضوع نیز مرتفع‌سازی می‌شود.

۵. برخی از شهروندان شهرک حکیمیه گله‌مند بودند از اینکه که سگ‌های ولگرد به آنان حمله‌ور شده و حتی برخی کودکانشان را زخمی نموده‌اند و گله‌مند بودند از اینکه صدای اعتراض خود را به مسئولین رسانده‌اند و پاسخی دریافت نکرده‌اند.

۶. اخیراً مردم گله‌مند بودند از اینکه که علیرغم تأکیدات ریاست محترم قوه قضائیه بر مردم‌داری عوامل دستگاه قضا، متأسفانه بسیاری از درخواست‌های مردم دایر بر اعاده دادرسی در دبیرخانه قوه قضائیه براحتی بایگانی می‌شود و حتی در این رابطه عنوان شد که قضاتی در

۱. دستگیری عامل ضرب و شتم آمر به معروف توسط ضابطین قضایی بسیج ناحیه امیرالمومنین (ع)
 اخیراً فردی در بلوار ارتش نسبت به آمر به معروف یکی از اتباع افغانی که درصدد ایجاد مزاحمت برای یک بانو بود و به لحاظ ظاهری نیز وضعیت مطلوبی نداشت پس از ارشاد و امر به معروف توسط یکی از اهالی همان منطقه که فردی مومن و مذهبی بود و برای رهاییدن خانمی که منتظر سوار شدن بر تاکسی بود و از سوی مهاجم افغانی مورد مزاحمت و آزار قرار گرفته بود اقدام نمود که به طرز فجیعی مورد ضرب و شتم قرار می‌گیرد و حتی پس از اینکه ماجرا تمام می‌شود برای انتقام جویی منزل آمر را در محله از گل نیز شناسایی نموده و باز نیز درصدد انتقام‌جویی به ضرب و شتم وی می‌پردازد. آمر به معروف اقدام به شکایت به واحد اجتماعی و امر به معروف سپاه ناحیه امیرالمومنین می‌کند که ضابطین قضایی پس از هماهنگی با مقام قضایی و در صورتی که مهاجم درصدد تغییر مکان بود در یک اقدام اطلاعاتی شناسایی و دستگیر می‌شود.

۲. قتل فجیع یک زن در محله باغ آذری
 اخیراً و در محله باغ آذری کوچه میثاق پارک میثاق جسد زنی مجهول‌الهویه یافت می‌شود که سر از بدن جدا شده بود که رفتگران شهرداری در حین جاروکردن پارک بودند که بدن مثله شده این زن را یافته و به مامورین ۱۱۰ تماس می‌گیرند که پس از این تماس پلیس آگاهی در محل حضور پیدا کرده و اقدامات لازم انجام می‌شود.

۳. حضور مردان با لباس‌های زننده در مترو
 اخیراً در مترو امام خمینی شاهد حضور مردانی با لباس‌های کاملاً زننده بوده‌اند که پس از اخطار مامورین حفاظت فیزیکی مترو موضوع مرتفع می‌شود. جای سوال است که این افراد با چه نیاتی و درصدد چه تفکری هستند که برای اشاعه آن و بازخورد وسیع از مترو استفاده

دوست داری خبرنگار افتخاری نشریه پناه مردم باشی؟ و اخبار و وقایع اطرافتان را برای ما ارسال کنی؟ اخبار روز به نام شما در وبسایت نشریه و گزینه خبرهای مهم در ماهنامه منتشر خواهند شد. برای این منظور کافی است با ما در تماس باشید و اخبار را برای ما ارسال کنید.

